

جهانی شدن و اقتصاد ایران*

محمدرضا رفعتی و دیگران

(دکترای اقتصاد، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی)

سرمایه‌گذاری پورتفولیویی؛ و در زمینه سازماندهی تولید در قالب گرایش به الگوهای انعطاف‌پذیر تولید تجلی پیدا کرده است.

در حوزه سیاست می‌توان به تحولاتی چون تضعیف و تغییر ماهیت حاکمیت دولت، افزایش توجه به مسائل محلی - جهانی، گسترش روزافزون سازمان‌های بین‌المللی، تضعیف نظام تک قطبی و ابرقدرتی، و پیشرفت فرهنگ دموکراتیک اشاره کرد.

در حوزه فرهنگ نیز می‌توان به تحولاتی چون رشد جهان وطنی و جدایی از سرزمین، الگوهای مصرف تقریباً یکسان و توزیع جهانی دانش و اطلاعات اشاره کرد.

بر مبنای آنچه ذکر شد، می‌توان گفت «جهانی شدن اقتصاد» روندی است که طی آن ادغام در اقتصاد جهانی از طریق این تحولات شدت گرفته است: مقررات زدایی‌های مختلف برای تسهیل حرکت عوامل تولید، به ویژه سرمایه، از مکانی به مکان دیگر؛ برچیدن مرزهای تعرفه‌ای و حمایتی به منظور ادغام هر چه بیشتر بازارهای ملی و منطقه‌ای؛ برقراری نظام‌های حقوقی بین‌المللی به ویژه در چارچوب فعالیت‌های گات و سازمان جهانی تجارت به منظور تنظیم امور و پیشرفت‌های فن شناختی به ویژه در حوزه رایانه و اطلاعات که امکان اتصال بازارهای مختلف را در اقصی نقاط جهان ممکن نموده و به این ترتیب با حذف فاصله مکانی، زمان را فشرده و مترکم‌تر کرده است.

این نکته نیز شایان ذکر است که در ورای مباحث نظری مربوط به آثار و منافع تقسیم بین‌المللی کار، اکنون حتی بانک جهانی نیز می‌پذیرد که «جهانی شدن اقتصاد» چه در جغرافیای ملی و چه در جغرافیای جهان برندگان و بازندگان دارد. در عین حال، چه موافقان و چه منتقدان آن را به مثابه روندی از تحولات تلقی می‌کنند که خارج از اراده کشورهای در حال توسعه رخ داده و قواعد بازی خود را بر آن‌ها اعمال می‌کند. بنابراین امکان بهره‌مندی از منافع حاصله، به توان و قدرت رقابتی کشورها در شناسایی

این مطلب با نگاهی بر تعریف «جهانی شدن» آغاز می‌شود. در ادامه بر مبنای شاخص‌های مختلفی همچون تجارت جهانی، سرمایه‌گذاری شرکت‌های فراملیتی و میزان باز بودن اقتصادها وضع جدید اقتصاد جهانی و در پی آن فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از این وضع را به بحث می‌گذارد. در بخش دیگری از مطلب، وضع اقتصاد ایران و چشم‌انداز آن در صورت بی‌توجهی به شرایط جدید اقتصاد جهانی مورد بحث قرار گرفته است.

۱. تعریف

«جهانی شدن» و «جهان گستری» و «جهانی سازی» مفاهیمی هستند که با بار معنایی مختلف برای توضیح و تبیین تحولات جهان، به ویژه طی سه دهه اخیر، به کار می‌روند. صرف نظر از مباحثی که درباره علل موجود و هدف و غایت این تحولات وجود دارد، به نظر می‌رسد درباره مشخصه‌های اساسی این تحولات، به شرح زیر، اتفاق نظر وجود دارد:

۱. چند بعدی بودن این تحولات؛ صرف نظر از مباحثی که درباره رابطه علی میان عوامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی وجود دارد، می‌توان گفت که «جهانی شدن» به صورت تحولات همه جانبه و مرتبط به هم رخ داده است.

۲. «جهانی شدن اقتصاد» در زمینه تجارت در قالب گرایش به سوی بسترسازی برای آزادسازی مبادلات تجاری در اقصی نقاط جهان از طریق رفع موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای؛ در زمینه تولید در قالب گرایش به غیر متمرکز شدن اساسی و افزایش سهم تولیدات خدماتی؛ در زمینه سرمایه‌گذاری در قالب افزایش سهم سرمایه‌گذاری‌های مستقیم و پورتفولیویی خارجی، برجسته‌تر شدن بازارهای مالی و پولی و گسترش نقش شرکت‌های فراملی چه در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و چه در

این قواعد (چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه سیاست و فرهنگ) و بازی در فضای جدید باز می‌گردد. به دیگر سخن، اگر بازیگری فعال و نقادانه در فضای جدید همراه با منافع و مضاری باشد، بی تردید بازیگری منفعلانه و انزواگرایانه فقط همراه با ضرر و زیان خواهد بود. این نیز قابل ذکر است که بازیگری فعال و نقادانه برای اعلام حضور در اقتصاد جهانی و همینطور اثرگذاری بر روند تصمیمات و سیاستگذاری‌ها در قالب اتحادها و پیمان‌های منطقه‌ای و جهانی نیازمند دولتی است که توانایی بهره‌گیری از تمامی فرصت‌های ملی و فراملی را در حوزه‌های مختلف داشته باشد. به دیگر سخن، هر چند نقش دولت در ساماندهی امور اقتصادی کم‌رنگ‌تر شده است، بازیگری فعال و نقادانه در جهت بهره‌برداری حداکثر از فرصت‌های به وجود آمده و حداقل سازی هزینه‌ها و خطرات ممکن بر نقش مقتدر و کارآمد آن تاکید دارد.

۲. شاخص‌های اصلی جهانی شدن

تقویت و گسترش روند جهانی شدن را می‌توان با شاخص‌های متعددی نشان داد. مهمترین شاخص‌های مطرح شده در این مورد عبارت‌اند از:

۱. رشد سریعتر تجارت جهانی کالا و خدمات در قیاس با رشد تولید جهان. به عنوان نمونه، متوسط رشد سالیانه تجارت جهانی کالا و خدمات جهانی طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۰، شش درصد، حدود دو برابر رشد تولید ناخالص جهان طی همین مدت بوده است. بدیهی است که این روند در مورد کلیه کشورها صدق نمی‌کند. در صادرات کالا، در میان ۳۰ کشور جهان که ۸۶/۳ درصد صادرات کالایی دنیا را به خود اختصاص می‌دهند. چین و مکزیک هر کدام با ۱۵ درصد، مالزی و ایرلند با ۱۳ درصد، تایلند با ۱۲ درصد، کره جنوبی و سنگاپور با ۱۰ درصد، هنگ کنگ با ۹ درصد، کانادا و تایوان با ۸ درصد و ایالات متحده، عربستان و اسپانیا با ۷ درصد متوسط رشد سالیانه، بیشترین رشد را در دوره ۱۹۹۰-۲۰۰۰ داشته‌اند.

در واردات کالا نیز کشورهای لهستان با ۱۶ درصد، چین و مکزیک هر کدام با ۱۵ درصد، مالزی با ۱۱ درصد، برزیل، تایوان و هنگ کنگ هر کدام با ۱۰ درصد، ایالات متحده آمریکا، کره جنوبی، ترکیه و ایرلند هر کدام با ۹ درصد، سنگاپور و هند هر کدام با ۸ درصد و کانادا با ۷ درصد بیشترین رشد را در این دوره داشته‌اند. در بحث صادرات و واردات خدمات تجاری نیز کم و بیش همین وضع حاکم است (جداول ۱ و ۲).

۲. رشد سریع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سهم آن در سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی. ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهانی طی ده‌های اخیر به شدت افزایش یافته و از متوسط سالیانه ۱۸۰/۳ میلیارد طی دوره ۹۵-۱۹۸۵ به بیش از ۱۲۷۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته است.^(۱) سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص جهان نیز روند مشابهی را نشان می‌دهد و از چهار درصد در دوره ۹۵-۱۹۸۵ به ۱۶/۳ درصد در سال ۱۹۹۹ رسیده است.

روند مشابهی نیز در کشورهای در حال توسعه دیده می‌شود. حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از متوسط ۵۰/۷ میلیارد دلار طی دوره ۹۵-۱۹۸۵ به بیش از ۲۴۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته و سهم آن در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی این کشورها به ترتیب از ۴/۷ درصد به ۱۳/۸ درصد رسیده است.

۳. ادغام و تملک شرکت‌های خارجی. طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۱ حجم ادغام و تملک شرکت‌های خارجی در جهان از ۸۰ میلیارد دلار به ۱۱۴۳ میلیارد دلار افزایش یافته است؛ در کشورهای در حال توسعه این رقم از ۳/۲ میلیارد دلار به ۴۸/۴ میلیارد دلار رسیده است.

۴. اهمیت روزافزون شرکت‌های فراملی. بنابر گزارش آنکتاد^(۲)، در سال ۲۰۰۰، ۲۹ واحد از یکصد واحد اقتصادی بزرگ جهان را شرکت‌های فراملی تشکیل می‌دادند. طبق این گزارش، شرکت «اکسون» با ۶۳ میلیارد دلار ارزش افزوده، با رتبه چهل و پنجم، هم‌تراز با کشورهای شیلی و پاکستان است. کشور نیجریه بین دو شرکت «دایملر کرایسلر» و «جنرال

علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مع علوم انسانی



14 1/8 13 7/8 13 7/8
15 1/4 13 1/2 14 1/2
24 1/8 23 5/8 23 5/8 - 1

جدول (۱) - صادرکنندگان و واردکنندگان مهم کالا در سال ۲۰۰۰

(میلیارد دلار و درصد)

صادرکنندگان	ارزش	سهم	درصد تغییر سالانه ۱۹۹۰-۲۰۰۰	واردکنندگان	ارزش	سهم	درصد تغییر سالانه ۱۹۹۰-۲۰۰۰
آمریکا	۷۸۲	۱۲/۳	۷	آمریکا	۱۲۵۸	۱۸/۹	۹
آلمان	۵۵۱	۸/۷	۳	آلمان	۵۰۰	۷/۵	۳
ژاپن	۴۷۹	۷/۵	۵	ژاپن	۳۷۹	۵/۷	۵
فرانسه	۲۹۸	۴/۷	۳	انگلستان	۳۳۲	۵	۴
انگلستان	۲۸۰	۴/۴	۴	فرانسه	۳۰۵	۴/۶	۳
کانادا	۲۷۷	۴/۴	۸	کانادا	۲۴۹	۳/۷	۷
چین	۲۴۹	۳/۹	۱۵	ایتالیا	۲۳۳	۳/۵	۳
ایتالیا	۲۳۵	۳/۷	۳	چین	۲۲۵	۳/۴	۱۵
هند	۲۱۱	۳/۳	۵	هنگ کنگ	۲۱۴	۳/۲	۱۰
هنگ کنگ	۲۰۲	۳/۲	۹	هند	۱۹۷	۳	۵
بلژیک	۱۸۴	۲/۹	-	مکزیک	۱۸۳	۲/۷	۱۵
کره جنوبی	۱۷۲	۲/۷	۱۰	بلژیک	۱۷۱	۲/۶	-
مکزیک	۱۶۶	۲/۶	۱۵	کره جنوبی	۱۶۰	۲/۴	۹
تایوان	۱۴۸	۲/۳	۸	اسپانیا	۱۵۳	۲/۳	۶
سنگاپور	۱۳۸	۲/۲	۱۰	تایوان	۱۴۰	۲/۱	۱۰
اسپانیا	۱۱۴	۱/۸	۷	سنگاپور	۱۳۵	۲	۸
روسیه	۱۰۵	۱/۷	-	سوئیس	۸۲/۵	۱/۲	۲
مالزی	۹۸	۱/۵	۱۳	مالزی	۸۲/۲	۱/۲	۱۱
سوئد	۸۷	۱/۴	۴	سوئد	۷۳	۱/۱	۳
عربستان	۸۴	۱/۳	۷	استرالیا	۷۱	۱/۱	۵
سوئیس	۸۰	۱/۳	۲	اتریش	۶۹	۱	۳
ایرلند	۷۷	۱/۲	۱۳	تایلند	۶۲	۰/۹	۶
تایلند	۶۹	۱/۱	۱۲	برزیل	۵۷	۰/۹	۱۰
اتریش	۶۵	۱	۵	ترکیه	۵۴	۰/۸	۹
استرالیا	۶۴	۱	۵	ایرلند	۵۰	۰/۷	۹
اندونزی	۶۲	۱	۹	هند	۵۰	۰/۷	۸
نروژ	۵۸	۰/۹	۵	لهستان	۴۹	۰/۷	۱۶
برزیل	۵۵	۰/۹	۶	دانمارک	۴۵	۰/۷	۳
دانمارک	۴۹	۰/۸	۳	روسیه	۴۴	۰/۷	-
فنلاند	۴۵	۰/۷	۶	اسرائیل	۳۸	۰/۶	۹
جهان	۶۳۵۸	۱۰۰	۶	جهان	۶۶۶۲	۱۰۰	۶

WTO, International Trade Statistics, 2001, p.14

ماخذ:

جدول (۲) - صادرکنندگان و واردکنندگان مهم خدمات تجاری در سال ۲۰۰۰

(میلیارد دلار و درصد)

صادرکنندگان	ارزش	سهم	درصد تغییر سالانه ۱۹۹۰-۲۰۰۰	واردکنندگان	ارزش	سهم	درصد تغییر سالانه ۱۹۹۰-۲۰۰۰
آمریکا	۲۷۴	۱۹/۳	۸	آمریکا	۱۹۹	۱۴/۲	۷
انگلستان	۱۰۰	۷/۱	۷	آلمان	۱۲۶	۹	۵
فرانسه	۷۷	۵/۵	۲	ژاپن	۱۱۵	۸/۲	۳
آلمان	۷۵	۵/۳	۴	انگلستان	۸۲	۵/۹	۶
ژاپن	۶۸	۴/۸	۵	فرانسه	۵۷	۴/۱	۱
ایتالیا	۵۹	۴/۲	۲	ایتالیا	۵۷	۴/۱	۲
اسپانیا	۵۲	۳/۷	۷	هلند	۵۰	۳/۶	۶
هلند	۵۱	۳/۶	۷	کانادا	۴۲	۳	۴
هنگ کنگ	۴۳	۳/۱	۹	بلژیک	۳۹	۲/۸	۵
بلژیک	۴۰	۲/۸	۵	چین	۳۵	۲/۵	۲۴
کانادا	۳۷	۲/۶	۷	کره جنوبی	۳۴	۲/۴	۱۳
چین	۲۹/۷	۲/۱	۱۸	اسپانیا	۳۰	۲/۱	۷
کره جنوبی	۲۹	۲/۱	۱۲	اتریش	۲۸	۲	۷
اتریش	۲۸	۲	۲	ایرلند	۲۷	۱/۹	۱۸
سنگاپور	۲۷	۱/۹	۸	تایوان	۲۶	۱/۸	۶
سوئیس	۲۶/۵	۱/۹	۴	هنگ کنگ	۲۴	۱/۷	۸
دانمارک	۲۰	۱/۴	۵	سوئد	۲۳	۱/۷	۳
تایوان	۲۰	۱/۴	۱۱	سنگاپور	۲۱	۱/۵	۱۰
سوئد	۱۹/۳	۱/۴	۴	دانمارک	۱۸	۱/۳	۶
ترکیه	۱۹	۱/۳	۹	هند	۱۸	۱/۳	۱۲
استرالیا	۱۸	۱/۳	۶	استرالیا	۱۸	۱/۳	۳
هند	۱۶	۱/۲	۱۴	روسیه	۱۷	۱/۲	-
نروژ	۱۵	۱/۱	۲	مکزیک	۱۶	۱/۲	۵
ایرلند	۱۴/۵	۱	۱۶	برزیل	۱۶	۱/۱	۹
مالزی	۱۳/۵	۰/۹	۱۴	نروژ	۱۵/۶	۱/۱	۲
مکزیک	۱۳/۴	۰/۹	۶	مالزی	۱۵/۵	۱/۱	۱۱
اسرائیل	۱۳/۳	۰/۹	۱۱	سوئیس	۱۵/۴	۱/۱	۳
تایلند	۱۲/۹	۰/۹	۷	اندونزی	۱۴/۳	۰/۱	۹
یونان	۹/۸	۰/۷	۴	تایلند	۱۳/۴	۱	۸
مصر	۹/۶	۰/۷	۷	اسرائیل	۱۲/۴	۰/۹	۱۰
جهان	۱۴۱۵	۱۰۰	۶	جهان	۱۴۰۰	۱۰۰	۶

WTO, International Trade Statistics, 2001, p.16

ماخذ:

عمل سازمان تجارت جهانی به کشاورزی، خدمات، حقوق مالکیت معنوی (فکری) و سرمایه‌گذاری نیز گسترش یافته و تعداد اعضای این سازمان از ۱۰۸ عضو در سال ۱۹۹۳ به ۱۴۴ عضو در سال ۲۰۰۲ رسیده است. در حال حاضر نزدیک به ۹۵ درصد از تجارت جهان در اختیار کشورهای عضو این سازمان است.

۹- گسترش فناوری اطلاعات و میزان بهره‌گیری از آن. گسترش فناوری اطلاعات گرچه خود یکی از عوامل تسهیل و تسریع‌کننده روند جهانی شدن به شمار می‌آید، اما گسترش استفاده از آن در کشورهای جهان، در زمره یکی از شاخص‌های جهانی شدن شده است. در این ارتباط، شاخص‌هایی نظیر تعداد کاربران اینترنت، حجم مبادلات الکترونیکی در تجارت جهان و گسترش استفاده از ماهواره‌ها و تلفن‌های همراه قابل طرح است. توسعه استفاده از فناوری اطلاعات نه تنها در زمینه‌های اقتصاد و بازرگانی، بلکه به زمینه‌هایی همچون علوم و تحقیقات، اطلاع‌رسانی، آموزش و... نیز ماهیتی فراملی داده است.

به عنوان نمونه، برآوردهای موجود حاکی از آن است که تا سال ۲۰۰۳ بین ۱۰ تا ۲۵ درصد از تجارت جهان از طریق الکترونیکی صورت گرفته است. یعنی با فرض بسیار محافظه کارانه ۱۳ هزار میلیارد دلار برای تجارت کالایی جهان در سال ۲۰۰۳، حجم تجارت الکترونیکی در این سال به ۱۳۰۰ تا ۳۲۵۰ میلیارد دلار می‌رسد. (۷)

۳- وضعیت گذشته و موجود ایران

نگاهی به وضع کشور در چند دهه اخیر و به ویژه در سال‌های بعد از انقلاب حاکی از آن است که کشور ما تا حدود بسیار زیادی از فرآیند جهانی شدن به دور مانده است. برخی از شاخص‌های قابل ذکر در این زمینه به شرح زیرند:

۳-۱- کاهش سهم ایران در تجارت کالایی جهان

سهم ایران در تجارت جهان به شدت کاهش یافته است. به عنوان نمونه، سهم ایران در صادرات کالایی جهان به رغم لحاظ شدن نفت و گاز

الکترونیک» قرار دارد؛ شرکت «فیلیپ موریس» هم‌تراز کشورهای تونس، اسلواکی و گواتمالا است. در این شرایط، شرکت‌های بزرگ اهمیتی همسنگ کشورها یافته‌اند و نقش آن‌ها در اتخاذ تصمیمات اقتصادی و سیاسی کشورها افزایش یافته است؛ در نتیجه، می‌توان گفت که سیاست و اقتصاد در هم تنیدگی روزافزونی یافته‌اند. (۲)

۵- کاهش محدودیت‌ها و افزایش درجه باز بودن بازارهای تجاری و مالی. در طی سه دهه اخیر، درجه باز بودن بازارهای جهانی کالا و بازارهای مالی به شدت افزایش و محدودیت‌های آن‌ها کاهش یافته است. البته، درجه باز بودن بازارهای مالی در کشورهای توسعه یافته به مراتب بیش از درجه باز بودن بازار کالاها افزایش یافته است؛ در کشورهای در حال توسعه این موضوع برعکس است. (۴)

۶- همگرایی قیمت‌های داخلی و خارجی. یکی از تبعات اصلی آزادسازی بازارهای مالی و کالایی و تحرک بیشتر در حجم و سرعت مبادلات در آن‌ها را می‌توان در همگرایی میان قیمت‌ها مشاهده کرد. در بازارهای مالی، کاهش تفاوت میان میزان (نرخ) بهره‌ها به ویژه در میان کشورهای توسعه یافته، و در بازار کالاها کاهش فاصله میان قیمت‌ها به وضوح مشهود است (بالحاظ کردن هزینه‌های حمل و حقوق گمرکی).

۷- جهانی شدن و تجارت درون صنعتی. (۵) گسترش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی این امکان را فراهم کرده تا تولیدات صنعتی به شکلی غیرمتمرکز و باگردآوری قطعات از مکان‌های مختلف صورت گیرد. بدین مفهوم، بسیاری از کشورها در یک صنعت خاص به صورت صادرکننده و واردکننده هم‌زمان مطرح شده‌اند. شاخص تجارت درون صنعتی که سهم تجارت درون صنعتی را محاسبه می‌کند، در دهه‌های اخیر به سرعت رو به افزایش بوده است. به عنوان نمونه، سهم مبادلات میان صنایع مشابه در هفت کشور بزرگ صنعتی از ۴۹ درصد در سال ۱۹۸۱ به ۶۱ درصد در سال ۱۹۹۵ افزایش یافته است؛ در مورد کشورهای تازه صنعتی شده آسیا (کره جنوبی، هنگ‌کنگ و سنگاپور) این شاخص از ۵۵ درصد در سال ۱۹۸۵ به ۶۰ درصد در سال ۱۹۹۰ رسیده است. (۶)

۸- گسترش نظام‌ها و سازمان‌های تجاری و اقتصادی جهانی و حیطه‌های تحت شمول آن نظام‌ها و سازمان‌ها. به عنوان نمونه، حیطه



جدول (۳) - سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران و جهان

واحد: میلیارد دلار و درصد

درصد سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص داخلی			۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۸۵-۹۵	شرح
۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۸۵-۹۵	-/۰.۳۶	۰/۰.۳۳	-/۰.۲۴	-/۰.۵۳	-۰/۰.۴۷	جمهوری اسلامی ایران
۱۳/۸	۱۱/۷	۴/۷	۲۴۰/۲	۲۲۲	۱۸۸/۴	۱۸۷/۴	۵۰/۷	کشورهای در حال توسعه
۱۶/۳	۱۰/۹	۳	۱۲۷۰/۸	۱۰۷۵	۶۹۲/۵	۳۷۷/۹	۱۸۰/۳	جهان

Source: UNCTAD, World Investment Report 2001

جدول (۴) - تعداد شرکت‌های مادر و نمایندگی‌های خارجی آن‌ها در ایران و جهان در

آخرین سالی که آمار وجود داشته است

نمایندگی‌های شرکت‌های خارجی	شرکت‌های مادر واقع	
مستقر در اقتصاد	در اقتصاد	
۱۶	...	ایران
۲۲۲۷	۴۴۹	غرب آسیا
۴۵۶۴۱۴	۱۰۳۳۲	آسیا
۴۸۹۵۰۴	۱۲۵۸۸	کشورهای در حال توسعه
۹۵۴۸۵	۴۹۹۴۴	کشورهای توسعه‌یافته
۲۳۶۸۲۹	۷۸۰	اروپای مرکزی و شرقی
۸۲۱۸۱۸	۶۳۳۱۲	جهان

Source: UNCTAD, World Investment Report 2001

سهم ایران در صدور خدمات نیز با صادرات ۱/۴ میلیارد دلاری در سال ۲۰۰۰، ۰/۱ درصد است (جدول ۲).

۳-۲- کاهش سهم تجارت در تولید ناخالص داخلی

در عرصه اقتصاد داخلی نیز سهم تجارت در تولید ناخالص داخلی (درجه باز بودن اقتصاد) کاهش مستمر و قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد. در سال ۱۳۵۵ صادرات و واردات کالا و خدمات به قیمت‌های جاری سهمی معادل ۶۶ درصد در تولید ناخالص داخلی کشور داشته‌اند^(۸) که این سهم در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ به ترتیب به

از ۰/۶۹ درصد در سال ۱۹۶۶ و ۲/۳ درصد در سال ۱۹۷۵ به کمتر از ۰/۵ درصد در سال ۲۰۰۰ و ۰/۴ درصد در سال ۲۰۰۱ کاهش یافته است. این در حالی است که کشورهای کره جنوبی، سنگاپور، اندونزی و مالزی که سهمی کمتر یا مساوی با ما در سال ۱۹۶۵ داشتند، در سال ۲۰۰۰ بین ۱ تا ۲/۷ درصد از صادرات کالایی جهان را به خود اختصاص داده‌اند. در واردات کالا و تجارت خدمات نیز سهم ایران به مراتب کمتر از سهم کشور ما در صادرات جهان است. به عنوان مثال، ارزش واردات کالایی جهان در سال ۲۰۰۰ معادل ۶۶۶۲ میلیارد دلار بوده که واردات ۱۵ میلیارد دلاری ما در سال مذکور کمتر از ۰/۲۵ درصد آن را تشکیل می‌داده است.

۳۷/۴ درصد و ۴۲/۱ درصد کاهش یافته است. بدیهی است که این سهم تا حدود زیادی تحت تاثیر درآمدهای نفتی کشور قرار دارد و در سال هایی که با سقوط قیمت نفت مواجه بوده ایم این سهم به شدت کاهش یافته است. به عنوان نمونه، در سال ۱۳۶۵ این رقم به کمتر از ۱۰ درصد رسید.

۳-۳- سهم اندک ایران در سرمایه گذاری مستقیم خارجی جهان

سرمایه گذاری مستقیم خارجی یکی از اصلی ترین شاخص های جهانی شدن است که سهم کشور ما در آن بسیار ناچیز است. در نتیجه، سرمایه گذاری مستقیم خارجی نقش قابل ملاحظه ای در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی نداشته است. طبق آمار و ارقام «انکتاد» طی سال های ۹۵-۱۹۸۵، به طور متوسط سالیانه ۴۷ میلیون دلار از سرمایه گذاری های قبلی از کشور خارج شده و در سال های ۲۰۰۰-۱۹۹۷ نیز میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشور بین ۲۴ تا ۵۳ میلیون دلار بوده است. این ارقام در مقایسه با حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی در جهان که در سال ۲۰۰۰، یعنی ۱۲۷۰ میلیارد دلار، و حتی در مقایسه با میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه، ۲۴۰ میلیارد دلار، بسیار ناچیز است.^(۹)

شایان ذکر است که در سال ۱۹۹۹، حدود ۱۶/۳ درصد از سرمایه ثابت ناخالص جهان و ۱۳/۸ درصد از سرمایه ثابت ناخالص کشورهای در حال توسعه از طریق سرمایه گذاری خارجی تامین شده است. این رقم برای کشور ما حدود ۰/۲ درصد است. آمارهای انکتاد در زمینه میزان ادغام و تملک شرکت های خارجی توسط کشورها، و میزان حضور شرکت های مادر و فرعی شرکت های خارجی در کشورهای در حال توسعه نیز وضع مشابهی را نشان می دهد. در حالی که رقم خرید و فروش کشورهای در حال توسعه در این زمینه در سال ۲۰۰۰ به ترتیب ۶۹/۶ و ۴۲/۱ میلیارد دلار بوده، برای کشور ما هیچ رقمی گزارش نشده است.^(۱۰)

در زمینه نمایندگی شرکت های خارجی، ۱۶ نمایندگی در کشور ما ذکر شده است؛ در حالی که برای غرب آسیا ۲۲۲۷ نمایندگی و برای کشورهای در حال توسعه ۴۸۹۵۰۴ نمایندگی ذکر شده است؛ این ارقام وجه دیگری از عدم ادغام اقتصاد کشور در اقتصاد جهان را نشان می دهد.

۳-۴- حمایت گرای بدون برنامه

طی دهه های اخیر، حمایت بدون برنامه و روز افزون از تولیدات کشور را شاهد بوده ایم که به صورت های مختلف ممنوعیت ورود، سهمیه بندی، مشروط ساختن واردات به صدور مجوز از یک یا چند دستگاه، اعمال نرخ های ارز چندگانه، حقوق گمرکی، سودبازگانی، حق ثبت سفارش، مابه التفاوت و عوارض اعمال شده است. گرچه حمایت های غیر تعرفه ای به مراتب بیش از تعرفه اثرگذار بوده، اما حتی میزان (نرخ) مؤثر تعرفه نیز در این سال ها روندی صعودی داشته است؛ این میزان بر مبنای محاسبه ارزش واردات با نرخ ۱۷۵۰ ریال، از ۵/۲ درصد در سال ۱۳۷۲ به ۳۷/۶ درصد در سال ۱۳۸۰ رسیده است. البته از ابتدای برنامه سوم توسعه، حذف موانع غیرتعرفه ای و جایگزین سازی آن با تعرفه در دستور کار قرار گرفته است.

۳-۵- عدم عضویت در ترتیبات تجاری جهانی و عدم بهره گیری

مناسب از ترتیبات منطقه ای
نه تنها در زمینه عضویت در سازمان تجارت جهانی تا همین اواخر

تلاش جدی به عمل نیامده، بلکه در زمینه دیگر ترتیبات و ترجیحات تجاری منطقه ای (نظیر اگو) و بین المللی (نظیر GSTP) نیز فعال نبوده ایم که بهترین شاهد آن کاهش سهم ترکیه و پاکستان در صادرات غیرنفتی و واردات کشور است. اگر فروپاشی شوروی سابق و الحاق برخی از جمهوری های آن به اگو پیش نمی آمد، سهم اگو در تجارت خارجی کشور به واقع رقم قابل توجهی نمی بود. در سال ۱۳۸۰، پاکستان تنها حدود دو درصد و ترکیه ۱/۳۷ درصد از صادرات غیرنفتی کشور را جذب کردند و سهم آن ها در واردات کشور به ترتیب ۰/۳۴ و ۱/۶۴ درصد بود.

۳-۶- دیدگاه های فرهنگی و مشکلات سیاسی

از جمله عواملی که طی ۲۵ سال اخیر، مارا از فرآیند حضور مؤثر در عرصه اقتصاد جهانی تا حدودی بازداشته است، تحولات ناشی از انقلاب، جنگ هشت ساله و تحریم های اقتصادی است؛ برخی از تحریم ها هنوز ادامه دارند. از سوی دیگر، در برخی از دیدگاه های فرهنگی به مقوله سرمایه و کار آفرین، نه تنها مقام و منزلت شایسته ای وجود ندارد، بلکه در اغلب اوقات منشاء سرمایه و سرمایه گذاری ها، چپاول و تاراج منابع ملی تلقی می شود. اخیرا در یک تحقیق. مؤلفه های مهم سرمایه گذاری در مناطق آزاد از دیدگاه سرمایه گذاران خارجی مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول (۷) ارایه شده است. طبق نتایج این نظر سنجی، ثبات اقتصادی و سیاسی، معافیت از حقوق گمرکی، معافیت مالیاتی و علاقه کشور میزبان به سرمایه گذاری خارجی از جمله مهمترین مؤلفه های مورد نظر سرمایه گذاران خارجی است که تمامی آن ها در کشور ما وضع مطلوبی ندارند.

۳-۷- سهم غالب دولت در اقتصاد و انحصاری بودن برخی فعالیت ها

واقعیت آن است که بخش مهمی از اقتصاد کشور کماکان در اختیار دولت است و به رغم تمام تلاش های به عمل آمده هنوز هم بودجه شرکت ها و موسسات دولتی حدود ۱/۵ برابر بودجه دولت است. تا همین اواخر، معافیت ها و امتیازات خاص این شرکت ها، امکان رقابت بخش غیردولتی و بخش خصوصی را سلب کرده بود. گرچه از ابتدای برنامه سوم تلاش شده تا این معافیت ها و امتیازات و انحصارات موجود - که عامل دیگری در جلوگیری از حضور بخش غیردولتی در اقتصاد کشور است. از میان برداشته شود، اما باید اذعان کرد که اجرای کامل این سیاست ها هنوز تحقق نیافته است.

به رغم تمامی تلاش های به عمل آمده در سال های اخیر، از نقطه نظر موسسات بین المللی که درجه ریسک و آزادی اقتصاد کشورها را اندازه گیری می کنند، کشور ما به عنوان یکی از محدودترین اقتصادهای جهان، با ریسک بسیار بالا، ارزیابی می شود. برای مثال، در برآورد بنیاد هریتیج برای سال ۲۰۰۳، درجه آزادی اقتصاد ایران در میان ۱۵۶ کشور بررسی شده در رتبه ۱۴۶ قرار دارد.

۳-۸- سایر محدودیت ها

از دیگر محدودیت های موجود بر سر راه جهانی شدن اقتصاد ایران می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- توسعه نیافتگی فناوری اطلاعات و نبود زیرساخت ها و قواعد حقوقی مربوط به آن در کشور
- نبود آزادی لازم برای تحرک عوامل تولید بین ایران و دیگر

کشورهای جهان (ممنوعیت خروج سرمایه، عدم حضور سرمایه‌های خارجی در بورس)

۴. چالش‌ها و فرصت‌ها

جهانی شدن، اقتصاد کشور را با چالش‌ها و فرصت‌هایی رو به رو خواهد کرد که در زمینه اقتصاد، مهمترین آن‌ها را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

الف. چالش‌ها

۱. الف. تحول در نقش دولت و مفهوم سنتی حاکمیت

در عصر جهانی شدن، نقش دولت و مفهوم سنتی حاکمیت آن دچار تحولاتی اساسی شده است. گرچه نقش دولت در زمینه آرایه کالاهای عمومی مؤثر در توسعه اقتصادی و اجتماعی همچنان قابل حمایت باقی مانده است، لیکن تحول فناوری اطلاعات و ارتباطات راه دور، حیطه‌های جدیدی را برای رقابت ایجاد کرده و بحث شکست بازار را به عنوان دلیلی برای دخالت دولت دگرگون کرده است.

به همین ترتیب اقتدار حکومتی دولت در داخل مرزها نیز با چالش‌های جدیدی مواجه شده است. کاهش موانع تجاری و ادغام روزافزون بازارهای کالا و سرمایه، لحظه‌ای شدن انتقال اطلاعات و الکترونیکی شدن مبادلات، اقتدار دولت‌ها را در تعیین قیمت‌های اسمی (قیمت کالاها، میزان بهره، نرخ ارز و تا حدودی دستمزدها) تضعیف کرده است. در واقع اغلب کشورها در اقتصاد جهان یک اقتصاد کوچک و قیمت‌پذیر محسوب می‌شوند و هرگونه تفاوت میان قیمت‌های داخلی و قیمت‌های جهانی به حرکت عظیم منابع به داخل و خارج از کشور منتهی می‌شود و قیمت‌های داخلی به سمت قیمت‌های جهانی گرایش می‌یابد. در این شرایط، اعمال حاکمیت در عرصه اقتصاد مفهوم سنتی خود را از دست می‌دهد و دولت نه به عنوان یک عامل تعیین‌کننده بلکه به عنوان یک عامل تنظیم و هماهنگ‌کننده در عرصه اقتصاد ملی نمایان می‌شود. جایگزینی تقابل با تعامل، الزام به کوچک شدن و مشارکت دادن شرکت‌های بزرگ در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و سیاسی و لزوم توجه به روندهای جهانی از جمله چالش‌هایی است که دولت با آن روبه‌رو است و باید به آن پاسخی درخور بدهد.

۲. الف. رقابتی نبودن برخی از تولیدات کشور و دولتی بودن اقتصاد

جهانی شدن برای اقتصاد باز و رقابتی به مراتب ساده‌تر و کم هزینه‌تر از جهانی شدن برای اقتصاد دولتی و حمایت شده است. همانگونه که پیشتر اشاره شد، با وجود اقتصاد نیمه دولتی و غیررقابتی بودن بخش‌هایی از صنایع کشور (نظیر خودروسازی، منسوجات و پوشاک، محصولات الکترونیکی و الکترونیکی)، ورود ایران به عرصه جهانی شدن ممکن است با مشکلات قابل ملاحظه‌ای در عرصه رقابت با محصولات خارجی همراه باشد و دست کم در کوتاه مدت تولید و اشتغال را تهدید کند.

۳. الف. مدیریت دوران گذار

جهانی شدن و ادغام در روند جهانی شدن، در کوتاه مدت، اقتصاد کشور را با مشکلات و فشارهای جدیدی مواجه خواهد کرد که مقابله با آن‌ها مستلزم مدیریتی قوی، علمی و آینده‌نگر است. اگر دوران گذار به خوبی مدیریت نشود فشارهای وارده و هزینه‌های ناشی از آن می‌تواند به گروه‌های متضرر از فرایند جهانی شدن اقتصاد کشور این فرصت را بدهد

که در جهت توقف و معکوس کردن این روند گریزناپذیر تلاش کنند. همزمان، افزایش فقر و بیکاری ناشی از این دوران موجب تحمیل فشاری مضاعف بر گروه‌های آسیب‌پذیر خواهد شد.

۴. الف. انتقال سریع تر ضربه‌های (شوک‌های) جهانی و اهمیت

متغیرهای جهانی در سیاستگذاری اقتصادی

یک اقتصاد جهانی شده به مراتب بیش از یک اقتصاد نیمه بسته و حمایت شده در معرض ضربه‌های جهانی قرار می‌گیرد. در این شرایط، علاوه بر وضع اقتصاد داخلی، باید به شرایط بین‌المللی نیز اشراف کامل داشت و هرگونه تصمیم‌گیری و سیاستگذاری اقتصادی را با عنایت به تبعات داخلی و خارجی آن تنظیم و اجرا کرد. در نتیجه، نقش متغیرهای جهانی در سیاستگذاری اقتصادی در داخل کشور به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد و هرگونه بی‌اعتنایی و عدم توجه کافی به آن‌ها می‌تواند برای اقتصاد کشور بسیار پرهزینه باشد.

به عنوان مثال، تثبیت نرخ ارز و میزان بهره (سود) ۱۷ و ۳۰ درصدی رابح در بانک‌ها و بازار بورس کشور در حال حاضر هیچ تناسبی با میزان بهره در بازارهای جهان ندارد. در یک اقتصاد ادغام شده، این اختلاف می‌تواند موجب ورود سرمایه‌های خارجی با هدف سودجویی از این شرایط شود که تاثیر اولیه آن افزایش قیمت سهام و افزایش حجم نقدینگی (یا کاهش نرخ ارز) خواهد بود. افزایش حجم نقدینگی نیز موجب تورم بیشتر می‌شود که همراه با کاهش نرخ ارز، تراز تجاری را با مشکل رو به رو می‌کند؛ در ادامه، با عیان شدن غیرواقعی بودن نرخ ارز، یکباره خروج سرمایه آغاز می‌شود، حباب تشکیل شده در بورس می‌ترکد و وضع مشابه کشورهای جنوب شرق آسیا در چند سال اخیر پدید می‌آید. با توجه به موقعیت جغرافیایی کشور امکان تشدید پدیده پولشویی یکی از دیگر چالش‌های مرتبط با این امر است.

۵. الف. حفظ ثبات داخلی

در اقتصاد نیمه بسته، نبود ثبات اقتصادی و سیاسی در کشور، بازتاب مشخص و محدودی دارد. اما در اقتصاد جهانی شده این وضع دارای اهمیت و حساسیت بیشتری است و بنابراین بازتاب‌های گسترده‌تری نیز دارد؛ چرا که اگر قبلا این بی‌ثباتی‌ها تنها با واکنش منفی سرمایه‌گذاران داخلی روبه‌رو بود اکنون با واکنش سرمایه‌گذاران خارجی نیز روبه‌روست. اگر تا دیروز می‌توانستیم مقررات را به دلخواه تغییر دهیم از این پس باید منتظر واکنش رقبای تجاری خود نیز باشیم (به عنوان نمونه، افزایش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای در سازمان تجارت جهانی می‌تواند مورد اعتراض و واکنش اقدام متقابل شرکای تجاری واقع شود).

۶. الف. اصلاحات ساختاری مورد نیاز

جهانی شدن مستلزم یک سری اصلاحات ساختاری در قوانین، مقررات، سازماندهی و تشکیلات دولت نیز خواهد بود. قوانین و مقرراتی که بر مبنای نگاه به بازارهای داخلی وضع شده‌اند نمی‌توانند با شرایط جدید همخوانی داشته باشند. دیوانسالاری (بوروکراسی) و تصدی‌گری و مالکیت وسیع دولت در اقتصاد، عدم توجه به شایسته‌سالاری در تشکیلات و سازماندهی فعالیت‌های دولت، استفاده از روش‌های سنتی در مبادلات و انجام امور حاکمیتی و ضعف در اطلاع‌رسانی و بی‌توجهی به

جدول (۵) - صادرات جهان و سهم کشورهای منتخب طی سالهای ۲۰۰۰-۱۹۶۵

واحد: میلیارد دلار / درصد

سال	شرح	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰	۱۹۷۹	۱۹۷۸	۱۹۷۷	۱۹۷۶	۱۹۷۵	۱۹۶۵
۲۱۳۷	جهان	۱۹۵۰	۱۹۵۲	۱۸۴۲	۱۸۸۳	۱۸۸۳	۲۰۱۲	۲۰۳۶	۱۶۳۵	۱۳۰۳	۱۱۲۵	۹۹۱	۸۷۵	۱۸۷
۱۰۰	سهم	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۸/۳	ایران	۱۲/۳	۱۳/۲	۲۰/۲	۲۰/۲	۱۷/۷	۱۲/۵	۱۴/۱	۱۹/۹۷	۲۲/۰	۲۴/۲	۲۳/۵	۲۰/۲	۱/۳*
۰/۳۹	سهم	۰/۶۳	۰/۶۷	۱/۰۹	۰/۹۴	۰/۹۴	۰/۶۲	۰/۶۹	۱/۲۲	۱/۶۹	۲/۱۵	۲/۳۷	۲/۳	۰/۶۹*
۱۶/۰	اندونزی	۱۸/۶	۲۱/۹	۲۱/۱	۲۲/۳	۲۲/۳	۲۲/۲	۲۱/۹	۱۵/۶	۱۱/۶	۱۰/۸	۸/۵	۷/۱	۰/۷۲
۰/۷۴	سهم	۰/۹۵	۱/۱۲	۱/۱۴	۱/۱۸	۱/۱۸	۱/۱	۱/۰۷	۰/۹۵	۰/۸۹	۰/۹۶	۰/۸۵	۰/۸۱	۰/۳۸
۳۴/۷	کره جنوبی	۳۰/۲	۲۹/۲	۲۴/۴	۲۱/۸	۲۱/۸	۲۱/۲	۱۷/۵	۱۴/۹	۱۲/۷	۱۰/۰	۷/۷	۵/۰۷	۰/۱۷۵
۱/۶۲	سهم	۱/۵۴	۱/۴۹	۱/۳۲	۱/۱۵	۱/۱۵	۱/۰۵	۰/۷۵	۰/۹۱	۰/۹۷	۰/۸۹	۰/۷۷	۰/۵۷	۰/۰۹
۱۳/۷	مالزی	۱۵/۴	۱۶/۶	۱۴/۱	۱۲/۰	۱۲/۰	۱۱/۷	۱۲/۹	۱۱/۰۷	۷/۴	۶/۰۸	۵/۲۹	۳/۸۴	۱/۶۵
۰/۶۴	سهم	۰/۷۹	۰/۸۵	۰/۷۶	۰/۶۴	۰/۶۴	۰/۵۸	۰/۶۳	۰/۶۷	۰/۵۷	۰/۵۳	۰/۵۲	۰/۴۳	۰/۸۸
۱۴/۷	سنگاپور**	۱۴/۹	۱۵/۷	۱۴/۳	۱۳/۹	۱۳/۹	۱۴/۳	۱۲/۶	۱۴/۲	۱۰/۱	۸/۲	۶/۵۸	۵/۳۷	۰/۹۸
۰/۶۸	سهم	۰/۷۶	۰/۸	۰/۷۷	۰/۷۴	۰/۷۴	۰/۷۱	۰/۶۲	۰/۸۶	۰/۷۷	۰/۷۳	۰/۶۶	۰/۶۱	۰/۵۲
۲۰/۰۹	عربستان	۲۷/۴۸	۳۶/۸۳	۴۵/۸۴	۷۹/۱۲	۷۹/۱۲	۱۲۰/۲۴	۱۰۹/۱۱	۶۳/۴۳	۳۷/۸۲	۴۴/۰۶	۳۸/۲۹	۲۹/۶۸	۱/۲۶
۰/۹۴	سهم	۱/۴	۱/۹	۲/۵	۴/۲	۴/۲	۶	۵/۴	۳/۹	۲/۹	۳/۹	۳/۹	۳/۴	۰/۶۷
۸/۳۳	وزیرتلا	۱۴/۴۴	۱۶	۱۵	۱۶/۴۴	۱۶/۴۴	۲۰/۱۳	۱۹/۹۲	۱۴/۹۲	۹/۱۸	۹/۵۵	۹/۳	۸/۸	۲/۴۳
۰/۴	سهم	۰/۷۴	۰/۸۲	۰/۸۱	۰/۸۷	۰/۸۷	۱	۰/۹۸	۰/۹۱	۰/۷	۰/۸۵	۰/۹۴	۱	۱/۳

*- مربوط به سال ۱۹۶۶ است.

**- بدون صادرات مجدد از سال ۱۹۷۹

مأخذ: 2001, 1999, 1998, 1995, WTO International Trade Statistics

ادامه جدول (۵)

واحد: میلیارد دلار / درصد

شرح	سال	۱۹۸۷	۱۹۸۸	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
جهان		۲۵۱۲	۲۸۵۸	۳۰۸۵	۳۴۴۵	۳۵۰۴	۳۷۴۲	۳۷۳۴	۴۲۱۵	۵۰۲۰	۵۲۵۴	۵۴۵۵	۵۴۲۲	۵۶۲۵/۰	۶۳۶۴
سهام		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
ایران		۱۱/۰	۸/۱۵	۱۱/۳	۱۵/۳	۱۵/۹	۱۶/۷	۱۶/۰	۱۸/۸	۱۸/۰	۲۲/۳	۱۸/۵	۱۲/۶	۱۶/۲	۲۸/۵
سهام		۰/۴۳	۰/۲۸	۰/۳۷	۰/۴۴	۰/۴۵	۰/۴۴	۰/۴۲	۰/۴۴	۰/۳۵	۰/۴۲	۰/۳۳	۰/۲	۰/۳	۰/۴۵
اندونزی		۱۷/۱	۱۹/۴	۲۲/۱	۲۵/۶	۲۹/۵	۳۲/۸	۳۶/۸	۴۰/۰	۴۵/۰	۴۹/۹	۵۳/۴	۴۸/۸	۴۸/۷	۶۲/۱
سهام		۰/۶۸	۰/۶۸	۰/۷۱	۰/۷۴	۰/۸۴	۰/۹	۰/۹۸	۰/۹۲	۰/۸۹	۰/۹۵	۱	۰/۹	۰/۹	۱
کره جنوبی		۴۷/۲	۶۰/۷	۶۲/۳	۶۵/۰	۷۱/۸	۷۶/۶	۸۲/۲	۹۶/۰	۱۲۵/۲	۱۲۹/۸	۱۳۶/۶	۱۳۲/۳	۱۴۴/۷	۱۷۲/۳
سهام		۱/۸۸	۲/۱۲	۲/۰۲	۱/۸۹	۲/۰۵	۲/۰۴	۲/۲۰	۲/۲۷	۲/۴۹	۲/۴۷	۲/۵	۲/۴	۲/۶	۲/۷
مالزی		۱۷/۹	۲۱/۱	۲۵/۰	۲۹/۴	۳۴/۳	۴۰/۷	۴۷/۱	۵۸/۷	۷۴/۰	۷۸/۴	۷۸/۷	۷۳/۳	۸۴/۵	۹۸/۲
سهام		۰/۷۱	۰/۷۳	۰/۸۱	۰/۸۵	۰/۹۸	۱/۰۸	۱/۲۶	۱/۳۹	۱/۴۷	۱/۴۹	۱/۴	۱/۴	۱/۵	۱/۵
سنگاپور *		۱۸/۶	۲۴/۶	۲۸/۳	۳۴/۸	۳۸/۴	۴۰/۷	۴۶	۵۸/۳	۶۹/۷	۷۳/۶	۷۲	۱۰۹/۹	۱۱۴/۷	۱۳۷/۹
سهام		۰/۷۴	۰/۸۶	۰/۹۱	۱/۰۱	۱/۰۹	۱/۰۸	۱/۲۵	۱/۳۸	۱/۳۸	۱/۴	۱/۳	۲	۲	۲/۲
عربستان		۲۲/۵۹	۲۳/۷۴	۲۸/۳۷	۴۴/۴۲	۴۷/۸	۵۰/۲۹	۶۲/۳۶	۴۲/۵۸	۵۱/۴۷	۵۷/۳۰	۵۵/۲	۴۲/۳	۵۰/۵	۸۴/۱
سهام		۰/۹	۰/۸۳	۰/۹۲	۱/۳	۱/۴	۱/۳	۱/۱	۱	۱	۱/۱	۱	۰/۸	۰/۹	۱/۳
ونزوئلا		۱۰/۵۷	۱۰/۱۱	۱۲/۸۷	۱۷/۵۹	۱۵/۵۲	۱۳/۲۴	۱۴/۷۵	۱۶/۵۶	۱۹/۴۱	۲۲/۱۵	۲۶	۱۷/۲	۱۹/۹	۳۱/۸
سهام		۰/۴۲	۰/۳۵	۰/۴۲	۰/۵۱	۰/۴۴	۰/۳۵	۰/۴	۰/۴	۰/۳۸	۰/۴۴	۰/۴۷	۰/۳	۰/۴	۰/۵

* - بدون صادرات مجدد از سال ۱۹۷۹

جدول شماره (۶) - نرخ متوسط موزون مالیات بر واردات طی سالهای ۷۹-۱۳۶۷

واحد: میلیارد ریال / درصد

سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰
مالیات بر واردات	۱۴۶	۳۵۰	۵۰۲/۴	۹۵۲	۱۲۴۵/۳	۱۱۲۳/۴	۱۲۸۴/۲	۱۲۵۰	۲۹۲۴/۳	۴۲۸۹/۱	۴۴۲	۵۸۰۵/۱	۷۹۴۸	۱۱۶۳۵
کل مالیات غیر مستقیم ^۱	۳۴۱	۵۲۸	۷۷۱	۱۳۶۹/۳	۱۷۸۴/۲	۱۴۴۵/۶	۱۶۳۶/۶	۱۶۶۴/۲	۳۵۸۹/۶	۶۲۹۱/۶	۶۰۱۰/۳	۹۲۴۷/۳	۱۲۲۵۸	۱۵۸۱۰
کل مالیات مستقیم و غیر مستقیم	۹۸۶/۵	۱۱۸۷/۸	۱۶۹۵	۲۷۶۵	۳۷۷۶	۴۰۶۱	۵۴۹۱	۷۳۱۳	۱۲۵۶۰/۳	۱۷۳۴۶/۶	۱۸۶۸۷	۲۵۸۳۱/۳	۲۷۵۳۲/۳	۲۲۹۸۶
کل ارزش وارداتی	۱۷۵۶	۳۵۹۴	۶۷۹۲	۹۷۴۹	۱۲۳۱۹	۲۱۴۳۱	۲۲۷۸۵	۱۹۶۳۱	۲۳۹۳۸	۲۴۲۵۴	۲۴۸۹۳	۲۲۲۰۲	۲۵۷۹	۳۰۹۳۵
نرخ متوسط موزون تعرفه ^۲ (درصد)	۸۳	۹/۷	۷/۴	۹/۸	۱۰/۱	۵/۲	۵/۶	۶/۴	۱۲/۳	۱۷/۶	۱۷/۸	۲۶/۲	۳۲	۳۷/۶

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تراز نامه سالهای ۷۹-۱۳۶۷ و سالنامه آماربازگانی خارجی ایران سال ۱۳۸۰ توضیحات:

- ۱- شامل مالیات بر واردات و مالیات بر مصرف و فروش کالا
- ۲- از سال ۱۳۷۳ نرخ مبنای محاسبه ارزش دلار واردات ۱۷۵۰ ریال بوده است.

جدول (۷) - مولفه‌های مهم سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد از نظر شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی در تایوان، کره، فیلیپین و سنگاپور

جمع امتیاز*	بی‌اهمیت (۰)	مهم (۱)	بسیار مهم (۲)	درجه اهمیت و امتیاز
				مولفه
۵۷	۱	۳	۲۷	۱- ثبات اقتصادی و سیاسی
۵۲	۲	۶	۲۳	۲- معافیت از حقوق گمرکی
۵۰	۱	۱۰	۲۰	۳- سیاستها و برنامه‌های اقتصادی کشور
۴۹	۲	۷	۲۱	۴- زیرساختهای منطقه
۴۸	۲	۴	۲۲	۵- معافیت مالیاتی
۴۷	۰	۱۵	۱۶	۶- علاقه کشور میزبان به سرمایه‌گذاری خارجی
۴۳	۳	۱۳	۱۵	۷- وجود کارگر ماهر (و ارزان)
۴۳	۵	۹	۱۷	۸- ثبات ارزش پول
۴۱	۶	۹	۱۶	۹- کمک کشور میزبان در خلال و پس از استقرار در منطقه
۳۹	۳	۱۵	۱۲	۱۰- وجود شرکتهای صنعتی فعال یا در حال احداث
۳۸	۲	۱۸	۱۰	۱۱- وجود تسهیلات حمایتی
۳۷	۴	۱۵	۱۱	۱۲- فراهم بودن ارز
۳۵	۶	۱۳	۱۱	۱۳- دسترسی به تأمین مالی داخلی
۲۴	۱۱	۱۴	۵	۱۴- کمک در آرایه آمار و اطلاعات
۲۴	۸	۲۰	۲	۱۵- زیر بناهای صنعتی توسعه یافته
۲۲	۱۱	۱۶	۳	۱۶- شرایط عمومی زندگی
۲۰	۱۷	۶	۷	۱۷- وجود تسهیلات برای آموزش کارگران
۱۷	۱۴	۹	۴	۱۸- وجود بازارهای صادراتی در کشورهای همجوار
۱۷	۱۷	۹	۴	۱۹- تجربه کشور با صنایع دارای تکنولوژی بالا
۱۵	۲۰	۳	۶	۲۰- کمکهای بلاعوض
۱۴	۲۲	۴	۵	۲۱- وجود بازار فروش در داخل کشور
۱۳	۱۹	۹	۲	۲۲- وجود بانکهای اطلاعاتی در کشور
۱۳	۲۱	۷	۳	۲۳- کمک کشور در مطالعات امکان سنجی
۱۰	۲۲	۶	۲	۲۴- کمک دریافتن سرمایه‌گذار داخلی
۴	۲۷	۲	۱	۲۵- حمایتهای تعرفه‌ای

* ستون آخر با دادن دو امتیاز به ستون اول، یک امتیاز به ستون دوم و صفر امتیاز به ستون سوم توسط مترجم محاسبه و به جدول اضافه شده است و سپس مولفه‌ها به ترتیب امتیاز مکتبسه مرتب شده‌اند.

مأخذ: N.Vital, Export Processing Zones in Asia: Some Dimensions, (Tokyo, APO, ۱۹۷۷) PP.۱۰۱-۱۰۵.

جدول (۸). رتبه‌بندی کشورها بر حسب درجه آزادی اقتصادی در سال ۲۰۰۳

رتبه	کشور	امتیاز کل	تجارت	بودجه	دخالت دولت	سیاست پولی	سرمایه‌گذاری خارجی	بانکداری و مالیه	قیمت‌ها و دستمزدها	حقوق مالکیت فکری	مقررات	بازار سیاه
۱	هنگ کنگ	۱/۴۵	۱	۲	۳	۱	۱	۱	۲	۱	۱	۱/۵
۲	سنگاپور	۱/۵	۱	۲	۳	۱	۱	۲	۲	۱	۱	۱
۳	لوکزامبورگ	۱/۷	۲	۴	۲	۱	۱	۱	۲	۱	۲	۱
۳	زلاندنو	۱/۷	۲	۴	۲	۱	۱	۱	۲	۱	۲	۱
۵	ایرلند	۱/۷۵	۲	۳	۲	۲	۱	۱	۲	۱	۲	۱/۵
۶	دانمارک	۱/۸	۲	۴/۵	۳/۵	۱	۲	۱	۱	۲	۱	۱
۶	استونی	۱/۸	۱	۳/۵	۲	۲	۱	۱	۱	۲	۲	۲/۵
۶	امریکا	۱/۸	۲	۳/۵	۲	۱	۲	۱	۲	۱	۲	۱/۵
۹	استرالیا	۱/۸۵	۲	۳/۵	۲	۲	۲	۱	۲	۱	۲	۱
۹	انگلستان	۱/۸۵	۲	۴	۲	۱	۲	۱	۲	۱	۲	۱/۵
۱۱	فنلاند	۱/۹	۲	۴	۲	۱	۲	۲	۲	۱	۲	۱
۱۱	ایسلند	۱/۹	۲	۳	۲	۲	۲	۳	۱	۱	۲	۱
۱۱	هند	۱/۹	۲	۴	۲	۲	۱	۱	۲	۱	۳	۱
۱۱	سوئد	۱/۹	۲	۴/۵	۲/۵	۱	۱	۱	۲	۱	۳	۱
۱۵	سوئیس	۱/۹۵	۲	۳/۵	۳	۱	۲	۱	۲	۱	۳	۱
۱۶	بحرین	۲	۳	۲	۳	۱	۲	۱	۳	۱	۲	۲
۱۶	شیلی	۲	۲	۲/۵	۲	۲	۲	۲	۲	۱	۳	۱/۵
۱۸	کانادا	۲/۰۵	۲	۴	۲/۵	۱	۳	۲	۲	۱	۲	۱

بازار سیاه	مقررات	حقوق مالکیت فکری	قیمت‌ها و دستمزدها	پاتنت‌داری و مالیه	سرمایه‌گذاری خارجی	سیاست پولی	دخالت دولت	بودجه	تجارت	انتهاز کل	کشور	رنه
۱/۵	۳	۱	۲	۲	۲	۱	۲	۴/۵	۲	۲/۱	اتریش	۱۹
۲	۳	۱	۲	۲	۱	۱	۲	۵	۲	۲/۱	بلژیک	۱۹
۱/۵	۳	۱	۲	۳	۱	۱	۲	۴/۵	۲	۲/۱	آلمان	۱۹
۲	۱	۱	۳	۲	۳	۱	۲	۱/۵	۵	۲/۱۵	باهاما	۲۲
۲	۲	۱	۲	۲	۳	۱	۳	۳/۵	۲	۲/۱۵	قبرس	۲۲
۲	۲	۱	۲	۲	۳	۱	۲	۴	۳	۲/۲	باربادوس	۲۴
۱	۳	۲	۲	۳	۳	۱	۳	۲	۲	۲/۲	امارات متحده عربی	۲۴
۳/۵	۲	۳	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲/۲۵	السالوادور	۲۶
۱	۳	۱	۲	۲	۳	۱	۳	۴	۲	۲/۳	نروژ	۲۷
۲/۵	۳	۲	۲	۲	۳	۱	۲/۵	۳	۲	۲/۳	تایوان	۲۷
۲/۵	۳	۲	۲	۲	۲	۱	۲	۵	۲	۲/۳۵	ایتالیا	۲۹
۳	۳	۳	۲	۲	۲	۱	۲	۲/۵	۲	۲/۳۵	لیتوانی	۲۹
۲	۳	۲	۲	۲	۲	۲	۲/۵	۴	۲	۲/۳۵	اسپانیا	۲۹
۲	۳	۲	۲	۳	۲	۲	۲	۴	۲	۲/۴	پرتغال	۳۲
۱/۵	۳	۲	۲	۳	۲	۱	۳	۵	۲	۲/۴۵	اسرائیل	۳۳
۳/۵	۳	۳	۲	۲	۲	۱	۲	۴	۲	۲/۴۵	لاتویا (لتونی)	۳۳
۲/۵	۲	۲	۲	۲	۲	۳	۴	۳/۵	۲	۲/۵	بوتسوانا	۳۵
۳	۴	۴	۳	۲	۳	۱	۱	۲	۲	۲/۵	کامبوج	۳۵
۳/۵	۳	۲	۲	۱	۲	۲	۲	۴/۵	۳	۲/۵	جمهوری چک	۳۵

بازار	مقررات	حقوق مالکیت فکری	قیمت‌ها	دست‌مزدها	بالتکداری و مالیه	سرمایه‌گذاری خارجی	سیاست پولی	دخالت دولت	بودجه	تجارت	امتیاز کل	کشور	رتبه
۲	۳	۲	۲	۳	۱	۳	۱	۳	۴	۲	۲/۵	ژاپن	۳۵
۳	۳	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲/۵	۳/۵	۳	۲/۵	اروگوئه	۳۵
۲	۳	۲	۲	۳	۱	۳	۱	۳	۴/۵	۲	۲/۵۵	فرانسه	۴۰
۲	۳	۲	۳	۲	۱	۴	۱	۳	۲/۵	۲	۲/۵۵	کویت	۴۰
۳/۵	۳	۲	۲	۳	۱	۳	۱	۱/۵	۲/۵	۴	۲/۵۵	تایلند	۴۰
۲/۵	۳	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۳	۳/۵	۴	۲/۶	ترینیداد و توباگو	۴۳
۴	۴	۳	۳	۲	۲	۲	۲	۳	۲/۵	۱	۲/۶۵	ارمنستان	۴۴
۴/۵	۴	۴	۲	۲	۱	۱	۱	۲	۳	۳	۲/۶۵	بولیوی	۴۴
۳	۳	۳	۲	۳	۳	۲	۳	۲/۵	۳	۲	۲/۶۵	کاستاریکا	۴۴
۲/۵	۳	۲	۳	۲	۳	۲	۳	۲	۴	۳	۲/۶۵	مجارستان	۴۴
۴	۳	۳	۲	۲	۳	۳	۳	۱	۲/۵	۲	۲/۶۵	ماداگاسکار	۴۴
۳/۵	۳	۴	۲	۲	۱	۲	۱	۳	۴	۳	۲/۶۵	پاناما	۴۴
۲	۴	۳	۲	۳	۱	۳	۱	۳	۲/۵	۳	۲/۶۵	قطر	۴۴
۳	۳	۳	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۴/۵	۳	۲/۶۵	آفریقای جنوبی	۴۴
۳	۳	۲	۲	۳	۲	۲	۲	۴	۳	۳	۲/۷	کره جنوبی	۵۲
۴	۲	۱	۳	۳	۱	۳	۱	۳	۴	۳	۲/۷	مالت	۵۲
۲/۵	۳	۲	۲	۲	۳	۲	۳	۳/۵	۴	۳	۲/۷	نامیبیا	۵۲
۳	۳	۲	۲	۳	۱	۳	۱	۲	۳/۵	۴	۲/۷۵	بلیز	۵۵
۳	۳	۳	۳	۳	۲	۳	۲	۲	۴	۲	۲/۸	یونان	۵۶

رتبه	کشور	امتیاز کل	تجارت	بودجه	دخالت دولت	سیاست پولی	سرمایه گذاری خارجی	بانکداری و مالیه	قیمت ها و دستمزدها	حقوق مالکیت فکری	مقررات	بازار سپاه
۵۶	گواتمالا	۲/۸	۲	۲	۱	۳	۳	۲	۲	۴	۴	۴
۵۶	جامائیکا	۲/۸	۴	۴	۳	۳	۱	۲	۲	۳	۳	۳
۵۶	مکزیک	۲/۸	۲	۳/۵	۳	۳	۳	۲	۲	۲	۳	۳/۵
۵۶	عمان	۲/۸	۳	۳	۴	۱	۳	۳	۳	۲	۲	۲
۵۶	پرو	۲/۸	۴	۲/۵	۳	۱	۲	۲	۲	۴	۴	۳/۵
۶۲	اردن	۲/۸۵	۵	۳/۵	۴	۱	۲	۲	۲	۳	۳	۳
۶۲	فیلیپین	۲/۸۵	۲	۲/۵	۲	۲	۲	۲	۲	۳	۴	۴
۶۲	اسلوانی	۲/۸۵	۴	۴	۲	۳	۳	۲	۲	۲	۲	۲/۵
۶۲	اوگاندا	۲/۸۵	۳	۳	۲	۱	۳	۳	۲	۳	۴	۴/۵
۶۶	لهستان	۲/۹	۳	۴/۵	۲	۳	۳	۲	۳	۲	۲	۳/۵
۶۶	اسلواکی	۲/۹	۳	۴/۵	۲	۳	۲	۲	۳	۳	۳	۲/۵
۶۸	آرژانتین	۲/۹۵	۴	۳	۲	۱	۳	۴	۲	۴	۳	۳/۵
۶۸	مراکش	۲/۹۵	۵	۴	۲/۵	۱	۲	۳	۲	۴	۳	۳
۶۸	عربستان سعودی	۲/۹۵	۴	۲/۵	۴	۱	۳	۴	۲	۳	۳	۳
۶۸	تونس	۲/۹۵	۵	۴	۳	۱	۳	۳	۲	۳	۳	۲/۵
۷۲	برزیل	۳	۴	۲/۵	۳	۳	۳	۳	۲	۳	۳	۳/۵
۷۲	کلمبیا	۳	۴	۳/۵	۳	۳	۲	۲	۲	۴	۳	۳/۵
۷۲	مالزی	۳	۳	۳	۳	۱	۴	۴	۳	۳	۳	۳
۷۲	مالی	۳	۳	۳	۳	۲	۳	۳	۲	۳	۳	۵

رتبه	کشور	امتیاز کل	تجارت	بودجه	دخالت دولت	سیاست پولی	سرمایه گذاری خارجی	بانکداری و مالیه	قیمت ها و دستمزدها	حقوق مالکیت فکری	مقررات	بازار سپاه
۷۲	موريس	۳	۵	۳	۳	۲	۲	۲	۴	۲	۳	۳
۷۲	مفولستان	۳	۲	۴/۵	۲/۵	۳	۳	۳	۲	۳	۴	۳
۷۲	نيكاراگوئه	۳	۲	۳	۳	۳	۲	۲	۳	۴	۴	۴
۷۲	سوازيلند	۳	۲	۴	۲	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۴
۸۰	جمهوری افریقای مرکزی	۳/۰۵	۵	۲/۵	۳	۱	۲	۳	۳	۳	۴	۴
۸۰	هندوراس	۳/۰۵	۳	۲/۵	۳	۳	۲	۳	۲	۳	۴	۴
۸۰	ساحل عاج	۳/۰۵	۴	۳/۵	۱	۲	۳	۲	۳	۴	۴	۴
۸۰	سنگال	۳/۰۵	۴	۲/۵	۳	۱	۳	۳	۳	۳	۴	۴
۸۰	سريلانكا	۳/۰۵	۳	۳/۵	۳	۳	۲	۳	۳	۳	۳	۳
۸۵	جمهوری دومینیکن	۳/۱	۵	۱/۵	۱	۳	۳	۳	۳	۴	۴	۳/۵
۸۵	گینه	۳/۱	۵	۳	۱	۳	۳	۲	۲	۴	۴	۴
۸۵	کینیا	۳/۱	۴	۲/۵	۳	۱	۲	۳	۲	۳	۴	۴/۵
۸۵	موریتانی	۳/۱	۴	۴	۲	۲	۲	۳	۳	۴	۴	۴
۸۹	کپ ورد	۳/۱۵	۴	۴/۵	۴	۱	۳	۳	۳	۳	۲	۴
۸۹	کرواسی	۳/۱۵	۳	۴	۲	۲	۳	۳	۳	۴	۴	۳/۵
۸۹	گابون	۳/۱۵	۵	۴/۵	۲	۱	۲	۳	۳	۳	۴	۳
۹۲	گایانا	۳/۲	۴	۴	۳	۲	۲	۳	۲	۳	۴	۴
۹۲	مولداوی	۳/۲	۲	۳/۵	۳	۴	۳	۳	۳	۳	۴	۳/۵
۹۴	الجزایر	۳/۲۵	۵	۳/۵	۳	۲	۲	۴	۳	۴	۳	۳

بازار	مقررات	حقوق مالکیت فکری	قیمت‌ها و دستمزدها	پاتنداری و مالیه	سرمایه‌گذاری خارجی	سیاست پولی	دخالت دولت	بودجه	تجارت	امتیاز کل	کشور	رنجه
۴	۴	۴	۲	۲	۲	۲	۳	۳/۵	۴	۳/۲۵	بوركينا فاسو	۹۴
۵	۴	۴	۲	۲	۳	۱	۳	۳/۵	۵	۳/۲۵	لبنان	۹۴
۵	۴	۴	۲	۲	۳	۲	۳	۲/۵	۵	۳/۲۵	مقدونیه	۹۴
۴	۴	۴	۳	۲	۲	۳	۳	۳/۵	۴	۳/۲۵	موزامبیک	۹۴
۴	۴	۴	۲	۳	۳	۱	۴	۴	۴	۳/۳	جیبوتی	۹۹
۵	۴	۳	۳	۳	۳	۲	۳	۳	۴	۳/۳	گامبیا	۹۹
۴/۵	۴	۴	۲	۴	۳	۳	۳	۲/۵	۳	۳/۳	اندونزی	۹۹
۴	۳	۴	۳	۳	۳	۲	۳	۳	۵	۳/۳	پاکستان	۹۹
۵	۴	۴	۳	۳	۳	۳	۳	۲	۳	۳/۳	پاراگوئه	۹۹
۵	۴	۴	۲	۳	۲	۲	۳	۳/۵	۵	۲/۳۵	آلبانی	۱۰۴
۴/۵	۴	۴	۳	۴	۴	۱	۳	۲	۳	۳/۳۵	آذربایجان	۱۰۴
۴	۴	۴	۳	۳	۲	۲	۳	۳/۵	۴	۳/۳۵	بنین	۱۰۴
۳/۵	۴	۳	۲	۲	۲	۵	۲	۴	۴	۳/۳۵	بلغارستان	۱۰۴
۴/۵	۴	۴	۳	۲	۳	۱	۳	۳	۵	۳/۳۵	کامرون	۱۰۴
۳/۵	۴	۳	۳	۴	۳	۱	۳	۵	۴	۳/۳۵	مصر	۱۰۴
۴	۴	۴	۳	۳	۲	۴	۲	۲/۵	۴	۳/۳۵	قرقیزستان	۱۰۴
۴	۴	۳	۳	۳	۲	۲	۳	۴/۵	۳	۳/۳۵	لسوتو	۱۰۴
۴	۴	۴	۳	۳	۲	۲	۲	۲/۵	۵	۳/۳۵	تانزانیا	۱۰۴
۵	۴	۴	۲	۲	۲	۳	۲	۴	۵	۳/۴	چاد	۱۱۳

بازار سیاه	مقررات	حقوق مالکیت فکری	قیمت‌ها و دستمزدها	بانکداری و مالیه	سرمایه‌گذاری خارجی	سیاست پولی	دخالت دولت	بودجه	تجارت	امتیاز کل	کشور	رتبه
۴	۳	۴	۳	۲	۴	۲	۲	۴	۵	۳/۴	فیجی	۱۱۳
۵	۴	۴	۳	۳	۲	۴	۲	۲	۴	۳/۴	گرجستان	۱۱۳
۳/۵	۳	۳	۳	۲	۳	۵	۳	۳/۵	۴	۳/۴	غنا	۱۱۳
۵	۴	۴	۳	۳	۳	۲	۳	۳	۴	۳/۴	نیجر	۱۱۳
۴	۴	۴	۳	۳	۳	۵	۲	۲/۵	۴	۳/۴۵	اکوادور	۱۱۸
۵	۵	۴	۳	۴	۳	۱	۳	۲	۵	۳/۵	بنگلادش	۱۱۹
۳/۵	۴	۴	۳	۴	۴	۱	۲	۳/۵	۵	۳/۵	اتیوپی	۱۱۹
۴	۴	۳	۳	۴	۲	۲	۴	۴	۵	۳/۵	هند	۱۱۹
۴	۴	۴	۳	۴	۴	۳	۲	۳	۴	۳/۵	قزاقستان	۱۱۹
۵	۴	۴	۳	۴	۴	۲	۲	۲	۵	۳/۵	نیپال	۱۱۹
۳/۵	۴	۳	۳	۳	۳	۵	۳	۴/۵	۳	۳/۵	ترکیه	۱۱۹
۴	۴	۴	۴	۳	۳	۴	۲	۲	۴	۳/۵	ونزوئلا	۱۱۹
۴	۴	۳	۳	۳	۲	۵	۲	۴	۴	۳/۵	زامبیا	۱۱۹
۳/۵	۴	۴	۳	۴	۴	۱	۴	۳	۵	۳/۵۵	چین	۱۲۷
۵	۴	۴	۴	۴	۳	۳	۲	۲	۵	۳/۶	گینه استوایی	۱۲۸
۵	۵	۵	۳	۳	۴	۴	۲	۲	۳	۳/۶	هاییتی	۱۲۸
۵	۵	۴	۳	۴	۴	۲	۳	۳	۳	۳/۶	توگو	۱۲۸
۳/۵	۴	۳	۳	۴	۳	۵	۲	۴	۴	۳/۶۵	مالاوی	۱۳۱
۵	۵	۴	۳	۳	۴	۲	۲	۲/۵	۵	۳/۶۵	رواندا	۱۳۱

رتبه	کشور	امتیاز کل	تجارت	بودجه	دخالت دولت	سیاست پولی	سرمایه گذاری خارجی	بانکداری و مالیه	قیمت ها و دستمزدها	حقوق مالکیت فکری	مقررات	بازار سپاه
۱۳۱	اکراین	۳/۶۵	۳	۴/۵	۳	۴	۴	۳	۳	۴	۴	۴
۱۳۱	یمن	۳/۶۵	۳	۴/۵	۳	۳	۳	۴	۳	۴	۴	۵
۱۳۵	کنگو	۳/۷	۵	۴	۳	۱	۴	۴	۳	۴	۴	۵
۱۳۵	روسیه	۳/۷	۴	۳/۵	۲/۵	۵	۳	۴	۳	۴	۴	۴
۱۳۵	ویتنام	۳/۷	۵	۳	۳	۱	۴	۴	۳	۵	۵	۴
۱۳۸	رومانی	۳/۷۵	۴	۴/۵	۳	۵	۳	۳	۳	۴	۴	۴
۱۳۹	بوسنی هرزگوین	۳/۸	۲	۴	۵	۲	۴	۳	۳	۵	۵	۵
۱۴۰	نیجریه	۳/۸۵	۵	۲/۵	۳	۴	۳	۴	۳	۴	۴	۵
۱۴۰	سیرالئون	۳/۸۵	۵	۲/۵	۲	۳	۴	۴	۲	۵	۵	۵
۱۴۲	گینه بیسائو	۳/۹	۴	۴	۲	۳	۳	۵	۳	۵	۵	۵
۱۴۳	سورینام	۳/۹۵	۴	۴/۵	۴	۵	۳	۴	۳	۳	۴	۵
۱۴۳	سوریه	۳/۹۵	۴	۴/۵	۴	۱	۴	۵	۴	۴	۴	۵
۱۴۳	تاجیکستان	۳/۹۵	۳	۲/۵	۳	۵	۴	۵	۴	۴	۴	۵
۱۴۶	ایران	۴/۱۵	۳	۲/۵	۴	۴	۴	۵	۴	۵	۵	۵
۱۴۶	ترکمنستان	۴/۱۵	۵	۲/۵	۴	۴	۴	۵	۴	۴	۴	۵
۱۴۸	برمه	۴/۲	۵	۲	۳	۴	۵	۴	۴	۵	۵	۵
۱۴۹	ازبکستان	۴/۲۵	۵	۳/۵	۳	۵	۴	۵	۴	۴	۵	۴
۱۴۹	یوگسلاوی	۴/۲۵	۴	۳/۵	۴	۵	۵	۴	۳	۴	۵	۵
۱۵۱	بلاروس	۴/۳	۴	۴	۳	۵	۴	۴	۵	۴	۵	۵

قواعد و استانداردهای جهانی از جمله مقوله هایی هستند که باید به سرعت مورد اصلاح قرار گیرند. شایان ذکر است که برخی از این اصلاحات در کوتاه مدت هزینه هایی را بر اقتصاد تحمیل خواهند کرد و مخالفت هایی را بر خواهند انگيخت.

ب. فرصت ها

ادغام در اقتصاد جهانی، در کنار چالش ها، فرصت هایی را نیز به ما عرضه خواهد کرد که مهمترین آن ها در صورت عملکرد صحیح ما عبارت اند از:

۱. جذب سرمایه و فناوری (تکنولوژی) خارجی

با جهانی شدن اقتصاد کشور و رفع موانع، ورود سرمایه های خارجی، اعم از سرمایه گذاری مستقیم و سرمایه گذاری پورتفولیوی، به دلیل مزیت های نسبی موجود و بالقوه و نیز سوددهی بالای بورس اوراق بهادار، افزایش خواهد یافت. نتیجه این ورود سرمایه می تواند افزایش سرمایه گذاری و اشتغال در کشور و نوسازی صنایع باشد. همچنین، خصوصی سازی شرکت های دولتی و بهبود مدیریت آن ها می تواند تسریع و تقویت شود.

۲. بروز مزیت های رقابتی، توسعه صادرات غیرنفتی و کاهش اتکاء به صدور نفت خام

کاهش موانع تجاری همراه با ورود سرمایه های خارجی می تواند موجب بروز و تقویت مزیت های رقابتی کشور شده، به افزایش سریع تر صادرات غیرنفتی کشور و کاهش اتکاء به صدور نفت خام بیانجامد. در حال حاضر، حمایت از صنایع داخلی، منابع را به سمت تولید برای بازار داخلی هدایت می کند؛ اما با منطقی شدن این حمایت ها، بخش بزرگتری از منابع به سمت تولیدات صادراتی جهت گیری خواهد شد. به علاوه، بهره گیری از کانال های بازاریابی و توزیع شرکت های خارجی و فناوری و مدیریت آن ها به تقویت هرچه بیشتر صادرات غیرنفتی خواهد انجامید.

۳. رقابتی شدن اقتصاد و افزایش رفاه مصرف کنندگان

باز شدن اقتصاد، تحریف و اختلال در قیمت ها را اصلاح خواهد کرد و با منطقی شدن حمایت ها و تضعیف انحصارات، اقتصاد رقابتی تر خواهد شد. طبعاً مصرف کنندگان داخلی از این امر بیشترین بهره را خواهند برد و رفاه آن ها افزایش خواهد یافت.

۴. شفافتر شدن و ایجاد ثبات در قوانین و مقررات کشور

انطباق با قوانین و مقررات بین المللی در کنار هزینه هایی که به اقتصاد کشور تحمیل می کند، منافعی را نیز فراهم می آورد. اول، به قوانین و مقررات داخلی ما ثبات و شفافیت خواهد بخشید، زیرا دیگر نخواهیم توانست آن ها را به میل خود تفسیر و یا به صورت مکرر تغییر دهیم؛ در غیر این صورت با واکنش و مخالفت طرف های تجاری خود رو به رو خواهیم شد. دوم، ثبات و شفافیت قوانین و مقررات برای سرمایه گذاران خارجی و داخلی زمینه بهتری برای برنامه ریزی و سرمایه گذاری فراهم خواهد کرد. سوم، برنامه ها و سیاست های اقتصادی دولت در این چارچوب نیز اعتبار بیشتری خواهند داشت؛ زیرا عاملین اقتصادی می دانند که انحراف از آن ها

رتبه	کشور	امتیاز کل	تجارت	بودجه	دخالت دولت	سهولت پولی	سرمایه گذاری خارجی	بانکداری و مالیه	قیمت ها دستمزدها	حقوق مالکیت فکری	مقررات	بازار سیاه
۱۵۱	لیبی	۴/۳	۵	۲	۴	۱	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۱۵۲	لاتویس	۴/۴	۵	۲	۲	۵	۴	۵	۴	۵	۵	۵
۱۵۳	زامبیا	۴/۴	۵	۴	۲	۵	۵	۵	۴	۵	۴	۴
۱۵۵	کوبا	۴/۴۵	۲	۴/۵	۴	۵	۴	۵	۵	۵	۴	۵
۱۵۶	کره شمالی	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵
N/R	آنگولا											
N/R	بروندی											
N/R	زئیر											
N/R	عراق											
N/R	سودان											

دشوار و پر هزینه است و گروه‌های ذینفع نمی‌توانند به سادگی آن‌ها را از مسیر تعیین شده منحرف کنند.

۵- چشم انداز در صورت ادامه وضع موجود

به رغم تمامی چالش‌ها و فرصت‌هایی که ذکر شد به نظر می‌رسد پیوستن به روند جهانی شدن اقتصاد امری گریزناپذیر است چرا که اکثر تبعات آن در هر صورت به ما تحمیل خواهد شد و کناره گرفتن از این روند ما را از چالش‌های مذکور مصون نگاه نخواهد داشت. اگر اقتصاد ایران بخواهد به وضع موجود ادامه دهد، با پیامدهای زیر مواجه خواهد شد:

۵.۱. تضعیف موقعیت اقتصادی و سیاسی کشور در منطقه و جهان

کناره‌گیری از روند جهانی شدن اقتصاد به مفهوم صرف‌نظر کردن از سرمایه و فناوری خارجی، عدم رعایت استانداردها و قواعد بین‌المللی و چشم پوشی از امتیازات و ترجیحاتی است که در این نظام وجود دارد. در این شرایط، نه تنها فاصله فن‌شناختی (تکنولوژیکی) ما با جهان افزایش خواهد یافت بلکه با کاهش سرمایه‌گذاری در کشور و تولید برای بازار محدود داخلی، به جای بازار گسترده جهان، موقعیت اقتصادی کشور در منطقه و جهان تضعیف خواهد شد.

۵-ب- ایجاد تعامل منطقی بین سیاست و اقتصاد

در یک اقتصاد نیمه بسته معمولاً سیاست بر اقتصاد غلبه دارد و اغلب، منافع سیاسی تعیین‌کننده روابط اقتصادی است. در نتیجه، روابط اقتصادی هر لحظه در معرض خطر تحولات سیاسی قرار دارد و این امر برای عاملان اقتصادی به مفهوم بالا بودن ریسک و هزینه انجام مبادلات است. اما، در یک اقتصاد جهانی شده، منافع اقتصادی دست کم به میزان منافع سیاسی اهمیت دارد و از تحمیل سیاست بر اقتصاد تا حدود زیادی جلوگیری می‌شود؛ زیرا در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، عاملین اقتصادی نیز نقش دارند. شاید به همین دلیل است که برخی، توسعه روابط اقتصادی بین همسایگان را یکی از عوامل مؤثر در جلوگیری از بروز تنش‌های سیاسی خوانده‌اند.

۶-ب- تسریع در اصلاحات ساختاری

انجام اصلاحات ساختاری نظیر خصوصی سازی، رفع انحصارات، اصلاح قوانین و مقررات، واقعی کردن قیمت‌ها و منطقی کردن حمایت‌ها در یک اقتصاد نیمه بسته بسیار دشوار است، زیرا منافع برخی از گروه‌ها را به خطر می‌اندازد؛ انگیزه و فشار لازم برای اعمال آن‌ها بسیار کم و در مقابل هزینه سیاسی آن بالا است. اما، افزوده شدن الزامات جهانی از یکسو و منابع و منافع بالقوه اجرای آن‌ها از سوی دیگر، این امکان را فراهم می‌کند که این اصلاحات با سرعت و اعتبار بیشتر و با خطر کمتر چرخش در سیاست‌های اصلاح ساختاری به اجرا در آید.

۷-ب- ارتقای سطح علمی تصمیم‌گیری‌ها

جهانی شدن در کنار سایر تحولات حادث شده، نقش تعیین‌کننده‌ای در جهانی شدن علوم و انتشار سریع آمار و اطلاعات دارد؛ علاوه بر این، با انتشار سریع جدیدترین یافته‌های علمی، زمینه را برای کاهش فاصله علمی بین کشورها فراهم کرده است. تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در یک اقتصاد جهانی شده به ناچار باید با استفاده از علوم و فنون جدید اتخاذ شود، از این رو، شایسته سالاری و ارتقای سطح علمی تصمیم‌گیری‌ها یکی دیگر از فرصت‌هایی است که جهانی شدن عرضه می‌دارد.



طبعاً، با تضعیف موقعیت اقتصادی و افزایش فاصله فن شناختی با جهان باید منتظر تضعیف موقعیت سیاسی و نظامی کشور در منطقه و جهان نیز بود، چرا که یک اقتصاد ضعیف قادر به تقویت بنیه نظامی خود نخواهد بود و در عرصه سیاسی نیز به دلیل حاشیه‌ای شدن و نبود منافع اقتصادی خارجی در کشور، موقعیت کشور در عرصه سیاسی نیز تضعیف خواهد شد. در این باره می‌توان روسیه (شوروی سابق) را به عنوان شاهدهی بر این مدعا مطرح کرد.

۵.۲- تضعیف موقعیت رقابتی کشور و افزایش وابستگی به صدور نفت و گاز

دور ماندن از روند جهانی شدن اقتصاد به دلایل مختلفی از قبیل عدم بهره‌گیری از سرمایه و تکنولوژی خارجی، محرومیت از تخفیفات و امتیازات تعرفه‌ای، بالا بودن نسبی هزینه انجام مبادلات، و کاهش تقاضا

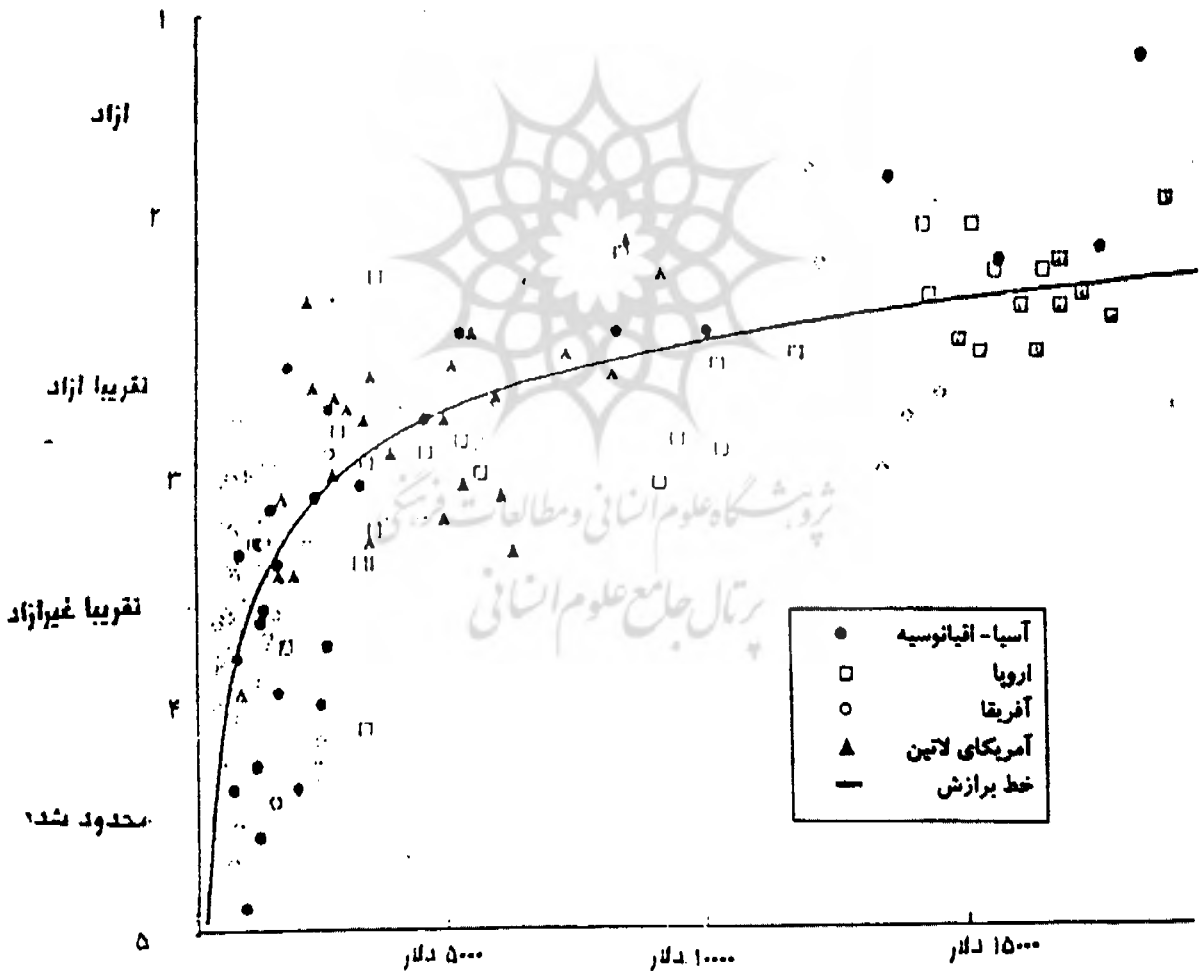
۳-۵- کاهش رشد بالقوه تولید ناخالص داخلی و افزایش فقر و بیکاری در بلند مدت

کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و محرومیت نسبی در دستیابی به بازارهای جهانی موجب کاهش رشد انباشت سرمایه در کشور می‌شود و در بلند مدت کاهش رشد اقتصادی را در پی دارد. همزمان، رشد جمعیت در کشور و ورود جمعیت جوان به بازار کار منجر به افزایش میزان بیکاری و فقر خواهد شد. مطالعات و بررسی‌های به عمل آمده نیز نشان می‌دهد

۲-۵- تضعیف موقعیت رقابتی کشور و افزایش وابستگی به صدور نفت و گاز

دور ماندن از روند جهانی شدن اقتصاد به دلایل مختلفی از قبیل عدم بهره‌گیری از سرمایه و تکنولوژی خارجی، محرومیت از تخفیفات و امتیازات تعرفه‌ای، بالا بودن نسبی هزینه انجام مبادلات، و کاهش تقاضا

نمودار (۱) - آزادی اقتصادی و ثروت



تولید ناخالص داخلی سرانه بر حسب برابری قدرت خرید (PPP) امار تولید ناخالص داخلی سرانه در ۱۹۹۷. آمار ارمنستان، باهاما، بحرین، باربادوس، بولیوی، گامبیا، گرجستان، ایران، اسرائیل، کویت، مالت، عربستان سعودی، عمان، قطر، سوریه مربوط به ۱۹۹۴ و برای تانزانیا مربوط به ۱۹۹۳ است. مأخذ: World Bank, World Development Indicators, 1998

کشورهایی که درجه آزادی بالا و اقتصاد بازتری دارند، از رشد اقتصادی و درآمد سرانه بالاتری نیز برخوردارند. (نگاه کنید به نمودار ۱)

۵.۴. افزایش شکاف فن شناختی با جهان

دور ماندن از روند جهانی شدن از طریق عدم پذیرش و اعمال قواعد جهانی در زمینه حقوق مالکیت فکری و عدم جذب سرمایه‌های خارجی موجب کندی سرعت تحولات فن شناختی کشور در مقایسه با سرعت تحول آن در جهان خواهد شد. بسته بودن نسبی اقتصاد نیز برای تولیدکنندگان داخلی انگیزه چندانی برای ارتقای فناوری باقی نمی‌گذارد. در نتیجه، شکاف فن شناختی موجود عمیق‌تر خواهد شد.

۵.۵. افزایش بیشتر هزینه‌های تولید و سطح عمومی قیمت‌ها

یک اقتصاد نیمه بسته و حمایت شده به دلایل مختلفی از قبیل محروم شدن از تولیدات ارزان قیمت خارجی، نداشتن انگیزه برای رقابت، تخصیص نابهینه منابع به سمت تولید کالاهای جایگزین واردات، با افزایش هزینه‌های تولید و سطح عمومی قیمت‌ها رو به رو خواهد بود.

باز بودن اقتصاد عملاً منجر به رفع انحصارات داخلی می‌شود؛ روبه رو شدن تولیدکنندگان داخلی با قیمت‌های ثابت و بعضاً در حال کاهش جهان دست آن‌ها را در افزایش بی‌رویه قیمت‌ها خواهد بست. ارتباط معکوس میزان واردات و میزان تورم در اقتصاد ایران نیز به وضوح قابل رویت است.

۵.۶. تنزل کیفیت کالاهای تولید شده در داخل

بسته ماندن نسبی اقتصاد کشور در پناه حمایت‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، نبود انگیزه برای ارتقای کیفیت تولیدات داخلی بر اثر نبود رقابت خارجی، عدم انتقال فناوری جدید، عدم نیاز به رعایت استانداردها و قواعد بین‌المللی، بی‌اهمیت شدن سهم صادرات در تولیدات داخلی هر یک موجب نادیده گرفتن اهمیت کیفیت در تولیدات می‌شوند. در نتیجه، محصولاتی با کیفیت و استاندارد پایین تولید و به مصرف‌کنندگان داخلی تحمیل خواهد شد.

۵.۷. تداوم حمایت روزافزون از تولیدات ناکارآمد

افزایش هزینه‌های تولید و سطح عمومی قیمت‌ها در داخل از یک سو، و ثابت بودن یا حتی کاهش قیمت‌های جهانی از سوی دیگر، همراه با اختلاف کیفیت روبه افزایش بین محصولات داخلی و خارجی موجب می‌شود که ادامه حیات بسیاری از تولیدات داخلی در گرو افزایش روزافزون حمایت‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای باشد؛ این امر نیز خود دور جدیدی از افزایش هزینه‌های تولید و سطح عمومی قیمت‌ها را ایجاد خواهد کرد.

۵.۸. کاهش رفاه عمومی

مجموعه عوامل مذکور، از طریق کاهش درآمد واقعی، افزایش سریع‌تر قیمت‌ها، تنزل کیفیت محصولات، تخصیص غیربهره‌مند منابع و افزایش فقر و بیکاری منجر به کاهش رفاه عمومی در کشور خواهد شد.

چرا که تولید و درآمد کمتری را می‌توان به جمعیت رو به افزایش کشور اختصاص داد.

۵.۹. مواجهه با مشکل کمبود ارز و کاهش ارزش پول ملی در میان مدت و بلندمدت

تضعیف موقعیت رقابتی کشور و عدم بهره‌مندی از امتیازات و ترجیحات موافقتنامه‌های بین‌المللی و جهانی موجب کاهش شدید صادرات کالا و خدمات خواهد شد. از سوی دیگر با توجه به افزایش جمعیت و تقاضا، نیاز کشور به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای جهت تولید کالاهای جایگزین واردات افزایش خواهد یافت. همزمان با افزایش تقاضا و مصرف نفت، میزان نفت خام قابل صدور، با توجه به سهمیه معین مادر اوپک، نیز کاهش خواهد یافت. در نتیجه، پیش‌بینی می‌شود به رغم محدودیت واردات، کشور با کمبود ارز و تضعیف ارزش پول داخلی مواجه شود و درآمدهای نفتی عمدتاً صرف نیازهای جاری و مصرفی کشور گردد.

۵.۱۰. از دست رفتن فرصت‌های تجاری زودگذر

عصر جهانی شدن، عصر سرعت در انجام امور و استفاده از فرصت‌های زودگذر است. نبود در بازار جهانی و عدم بهره‌گیری از قواعد، استانداردها و روش‌های نوین در زمینه اطلاع‌یابی و اطلاع‌رسانی، بازاریابی و تجارت الکترونیکی به مفهوم از دست رفتن فرصت‌های تجاری زودگذر است، حتی اگر در کالاها و خدمات مورد نظر از مزیت رقابتی برخوردار باشیم. اشاعه اقداماتی نظیر اقدام دولت آمریکا مبنی بر انجام کلیه خریدهای دولت فدرال به روش غیر کاغذی، به سایر دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ، در عمل موجب منزوی شدن کشورهای تولیدکننده شد که از روش‌های سنتی در مبادلات بازرگانی خود سود می‌جویند.

۵.۱۱. درون‌گرتر شدن اقتصاد کشور

مجموعه عوامل مذکور موجب درون‌گرتر شدن هر چه بیشتر اقتصاد خواهد شد. در نتیجه از حضور در مجامع و موافقتنامه‌های اقتصادی بین‌المللی با تبعات اقتصادی و تجاری خاص برکنار خواهد ماند و به جای حضور فعال در این مجامع و تلاش در جهت تطبیق تصمیمات آن‌ها با منافع ایران و دیگر کشورهای در حال توسعه، تنها پذیرای تبعات تحمیلی این تصمیمات خواهد شد.

۵.۱۲. مواجهه نشدن با ضربه‌های (شوک‌های) اولیه ناشی از جهانی شدن

بسته ماندن نسبی اقتصاد کشور و برون‌گران نشدن آن، در کنار معایب برشمرده شده دارای این مزیت است که اقتصاد کشور با ضربه‌ها و هزینه‌های اولیه ناشی از جهانی شدن رو به رو نخواهد شد. اصلاحاتی نظیر خصوصی‌سازی، هدفمند و منطقی نمودن یارانه‌ها، حمایت‌ها، رو به رو شدن با رقابت‌های خارجی، تضعیف بخش‌های غیرکارآمد همگی می‌توانند با سرعت اندک و تاخیر زیاد صورت گیرند تا تبعات منفی آن‌ها از نظر سیاسی در حد بسیار کم و قابل قبول باشد. به علاوه، با بسته ماندن نسبی اقتصاد، میزان سرایت نوسان‌های

اقتصادی جهان به کشور نیز به همان نسبت کاهش می‌یابد و رکود یا رونق اقتصادی در جهان، بازتاب بسیار خفیف‌تری در اقتصاد کشور خواهند داشت.

۵.۱۳- عدم افزایش تعهدات بین‌المللی کشور

همانگونه که اشاره شد، باز شدن اقتصاد، مستلزم پذیرش یک سری از قواعد، تعهدات و استانداردهای جهانی است. بنابراین اگر نخواهیم به روند جهانی شدن ملحق شویم، اجباری به پذیرش برخی از این قواعد و تعهدات نخواهیم داشت و به همین نسبت دست ما در اعمال مقررات و استانداردهای داخلی باز خواهد ماند. به عنوان مثال، حمایت‌های تجاری خود را می‌توانیم تا حد زیادی به دلخواه تعیین کنیم، یا در اعطای امتیازات تجاری به کشورها می‌توانیم تبعیض قائل شویم.

۶- چشم انداز مطلوب

چشم انداز مطلوب ما آن است که ضمن بهره‌گیری کامل از منافع جهانی شدن، تبعات منفی آن را با مدیریت مناسب به حداقل برسانیم. از جمله به اهداف زیر نایل شویم:

۶.۱- جذب دست کم ۱/۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

همانگونه که پیشتر گفته شد، در سال ۲۰۰۰ حدود ۲۴۰ میلیارد دلار در کشورهای در حال توسعه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صورت گرفته است که به طور متوسط سهم هر کشور در حال توسعه نزدیک به ۱/۵ میلیارد دلار است. بنابراین به نظر نمی‌رسد رقم فوق برای اقتصاد ایران دست نیافتنی باشد. به تازگی نیز اعلام شد که متعاقب اصلاح قانون حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، تقاضاهایی به ارزش حدود سه میلیارد دلار به کشور واصل شده و در دست بررسی قرار دارد. بدیهی است که هدف ما باید بر جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش‌های غیرنفتی باشد.

۲-۶- رشد سالیانه صادرات غیرنفتی به میزان ۲۰ درصد

افزایش سهم کشور در صادرات کالا و خدمات جهان مستلزم آن است که رشد صادرات غیرنفتی بر رشد تجارت جهان، فزونی داشته باشد. با توجه به عملکرد اقتصاد کشور در گذشته و با عنایت به ورود سرمایه‌های خارجی، دستیابی به این رشد نیز امکان‌پذیر خواهد بود، چرا که طی دوره ۷۳-۱۳۶۸ صادرات غیرنفتی کشور از حدود یک میلیارد دلار در ابتدای دوره به ۴/۸ میلیارد دلار در پایان دوره رسید. طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۷ نیز صادرات غیرنفتی کشور از ۳/۱۸ میلیارد دلار به ۴/۲۷ میلیارد دلار رسید که رشد متوسط سالیانه ۱۱ درصد را نشان می‌دهد.

۳-۶- رشد تولید ناخالص داخلی کشور به هشت درصد در سال برسد

رشد تولید ناخالص داخلی کشور از ابتدای اجرای برنامه سوم توسعه به بیش از پنج درصد بالغ شده است. بنابراین، با وجود ظرفیت‌های

اضافی تولید در کشور، میزان نسبتاً بالای بیکاری، امکان جذب سرمایه‌های خارجی و بهینه شدن تخصیص منابع در کشور، امکان دستیابی به میزان رشد سالیانه ۸ درصد دور از دسترس نخواهد بود. به علاوه، اقتصاد ایران طی سال‌های ۵۰-۱۳۳۸ و حتی قبل از افزایش قیمت نفت نیز متوسط رشد ۱۰ درصد در سال را تجربه کرده است.

۴-۶- منافع ناشی از جهانی شدن کلیه اقشار را منتفع سازد و توزیع درآمد و خیم تر نشود

از جنبه نظری و با عنایت به این موضوع که اقتصاد ایران با مزاد نیروی کار و کمبود منابع سرمایه روبرو است، انتظار می‌رود با گشوده شدن اقتصاد و مزیت نسبی کشور در صنایع کار-بر، تقاضا برای اینگونه محصولات افزایش یابد و در نتیجه سهم دستمزد در ارزش افزوده تولیدات کشور بالا برود و دستمزدهای واقعی نیز افزایش یابد. در مقابل، ورود سرمایه‌های خارجی موجب تعدیل در کمیابی عامل سرمایه می‌شود و سهم آن در ارزش افزوده کمتر می‌شود؛ بنابراین انتظار می‌رود توزیع درآمد نیز بهبود یابد. البته، مزیت نسبی کشور در صنایع مبتنی بر منابع طبیعی (که اغلب سرمایه‌بر هستند) و تعدیلاتی که در روند جهانی شدن به صنایع و تولیدات کشور تحمیل خواهد شد، این احتمال را نیز مطرح می‌کند که امکان وخیم‌تر شدن وضع توزیع درآمد در کشور، دست کم در کوتاه مدت، وجود خواهد داشت.

۵-۶- ایفای نقشی فعال در روند جهانی شدن

جهانی‌سازی در عرصه اقتصاد جهان، به سرعت در حال گسترش است و کشورها و شرکت‌های بزرگ تلاش می‌کنند قواعد و نظام‌های حاکم بر آن را در جهت منافع خود شکل دهند. روند جهانی شدن قدرتمندتر و مستحکم‌تر از آن است که یک کشور در حال توسعه کوچک بتواند در آن تغییر قابل ملاحظه‌ای ایجاد کند، اما کشورهای در حال توسعه می‌توانند با حضور و مشارکت فعال در تنظیم قواعد و نظام‌های حاکم بر آن تا حدود زیادی از منافع خود دفاع کنند.

۴-۶- مطرح شدن به عنوان تولیدکننده و صادرکننده مهم در برخی از محصولات و خدمات

کشورهای در حال توسعه و کوچک در روند جهانی شدن با این خطر جدید رو به رو هستند که بیشتر به صورت صادرکننده مواد خام و اولیه درآیند، چرا که مزیت‌های بالفعل آن‌ها نیز در همین زمینه است. اما این یک سرنوشت محتوم نیست و برنامه‌ریزی و سیاستگذاری هوشمندانه دولت‌ها می‌تواند با فراهم سازی زمینه‌های لازم به خلق مزیت‌های نسبی جدید و بهره‌گیری از فرصت‌هایی که صنایع و فعالیت‌های جدید اقتصادی در جهان عرضه می‌کنند (مثل خدمات نرم‌افزاری در صنعت IT جهان)، بپردازند و نقشی فراتر از آنچه در تقسیم اولیه کار به آن‌ها داده شده است، برعهده گیرند.

۷-۶- کاهش سهم دولت و اجتناب از سیاسی شدن تصمیمات اقتصادی

در اقتصاد جهانی شده، نقش دولت نه در تصدی امور بلکه در سیاستگذاری صحیح و فراهم ساختن زمینه‌های لازم برای تسریع

و تسهیل انجام فعالیت‌های اقتصادی خلاصه می‌شد. دولتی بودن اقتصاد و سیاسی شدن تصمیمات اقتصادی، گذشته از آن که با ایجاد دیوان‌سالاری (بوروکراسی) و کم توجهی به محاسبات اقتصادی در روند جهانی شدن اقتصاد و تخصیص کارآمد منابع ایجاد اختلال می‌کند، با ایجاد ریسک چرخش در سیاست‌ها و امتیازات خاص شرکت‌های دولتی موجب رکود در سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی می‌شود و با اختصاص بخش اعظم وقت دولت به تصدی امور، آن را از سیاست‌گذاری و نظارت کارآمد دور می‌کند. بنابراین چشم‌انداز مطلوب ما در این زمینه، ایجاد دولتی کارآمد و برخوردار از سازمان و تشکیلاتی متناسب با نظام جهانی شدن است که به جای تصدی‌های اقتصادی غیرضرور، هم و غم خود را معطوف به زمینه‌سازی لازم برای تسریع و تسهیل در اتخاذ تصمیمات اقتصادی توسط عاملین ذیربط کند.

۸-۶- جلوگیری از ضربه‌ها و بحران‌های احتمالی

جهانی شدن در کنار منافع حاصل از آن می‌تواند اقتصاد کشور را در صورت عدم مدیریت صحیح در معرض ضربه‌ها و بحران‌های جدی قرار دهد. بنابراین، چشم‌انداز مطلوب ما در این مورد، داشتن اقتصادی است که ضمن تعامل با جهان خارج، برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های اقتصادی آن به گونه‌ای تنظیم و اجرا شوند که ضمن سازگاری با شرایط و تحولات اقتصادی جهان، به سرعت بتوانند نسبت به آن‌ها واکنش لازم را نشان دهند. در این باره، کنترل صحیح تعهدات و بدهی‌های خارجی، جلوگیری و از بین بردن زمینه‌های ورود سرمایه‌هایی که در کوتاه مدت و با هدف سودجویی وارد کشور می‌شود و متناسب‌سازی سیاست‌های اقتصاد داخلی با شرایط رکود و رونق در اقتصاد جهان اهمیت به سزایی دارند.

۹-۶- حفظ فرهنگ و ارزش‌های ملی

گرچه جهانی شدن اقتصاد، فرهنگ‌ها و ارزش‌های دیگری را نیز به طور مستقیم یا غیرمستقیم به ما عرضه می‌کند، این نباید به معنی تسلیم شدن محض در برابر آن‌ها تلقی شود. برخورد فعال و سیاست‌گذاری هوشمندانه در این زمینه می‌تواند ضمن حفظ فرهنگ‌ها و ارزش‌های اصیل ملی، تبادل و تعامل صحیح با فرهنگ‌های بیگانه را جایگزین تسلیم بی‌قید و شرط در برابر آن‌ها کند.

۷-۷- پیشنهاد‌های اصلی

با عنایت به رویکرد اصلی این گزارش که مبتنی بر گریزناپذیر بودن الحاق ایران به فرآیند جهانی شدن و بهره‌گیری از مزایا و به حداقل رساندن هزینه ناشی از آن است، رهنمود کلی این گزارش در قالب عبارت «جهانی‌بیندیشیم و ملی عمل کنیم» تجلی می‌یابد. در این راستا، پیشنهاد‌های زیر ارایه می‌شود:

۷-۱- وضع قوانین و مقررات سازگار با فعالیت در عرصه جهانی

قوانین و مقررات اقتصادی و تجاری که به طور مستقیم بر مبادلات ما با جهان خارج تاثیرگذار هستند نباید بدون توجه به قوانین و مقررات

حاکم در جهان تنظیم شوند. به عنوان نمونه، قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، قانون صادرات و واردات، قانون امور گمرکی، قانون تجارت، قانون کار و قوانین مربوط به بانکداری و بازار سرمایه نمی‌توانند تنها با نگاه به داخل تنظیم و اجرا شوند. به همین ترتیب، حفظ ثبات در این قوانین نیز باید مورد توجه باشد و از تغییرات بی‌درپی اجتناب شود.

۷-۲- فراهم‌سازی زمینه برای جلب سرمایه و انتقال فناوری خارجی

جلب سرمایه خارجی نقش مهمی در همگامی با فرآیند جهانی شدن اقتصاد دارد. بنابراین، فراهم‌سازی زمینه‌های مناسب برای ورود آن ضرورت تام دارد. بدیهی است به همراه جلب سرمایه‌های خارجی، اقدامات لازم جهت انتقال فناوری و مهارت‌های فنی و مدیریتی آن نیز باید فراهم شود. در این راستا حمایت از حقوق مالکیت فکری و فراهم‌سازی امکان حضور و فعالیت کارشناسان خارجی و امکان ثبت این شرکت‌ها در داخل ضرورت می‌یابد. دوباره تاکید می‌شود که شرایط و مقررات ورود سرمایه و فعالیت شرکت‌های خارجی در ایران نباید نامطلوب‌تر از دیگر کشورهای جهان و بویژه کشورهای همسایه باشد.

۷-۳- تقویت سیاست تنش‌زدایی و زمینه‌های همگرایی

واقعیت امر آن است که منطقه خاورمیانه از نظر سرمایه‌گذاران خارجی منطقه کاملاً امن و با ثباتی تلقی نمی‌شود. وقوع انقلاب در ایران، جنگ ایران و عراق، جنگ عراق و کویت و مشکل افغانستان و عراق، بر مشکل قدیمی اعراب و اسرائیل افزوده شده و ریسک این منطقه افزایش یافته است. در این شرایط، تنها از طریق تعامل با جهان و تقویت سیاست تنش‌زدایی می‌توان تا حدودی این مشکل را تخفیف داد. این سیاست ممکن است هزینه‌هایی را نیز در بر داشته باشد، اما باید آن را در قبال دریافت منافع ناشی از آن پذیرفت.

۷-۴- حضور فعال در پیمان‌های منطقه‌ای و جهانی و همکاری با دیگر مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای

جهانی شدن اقتصاد کشور مستلزم آن است که ابتدا با تقویت پیمان‌های منطقه‌ای نظیر اکو و حضور فعال در آن و سپس عضویت در سازمان تجارت جهانی امکان بهره‌گیری از ترجیحات و امتیازات موجود در این عرصه‌ها برای اقتصاد کشور فراهم شود، در غیر اینصورت، ورود در عرصه‌های جهانی که هر روز بیش از پیش با استفاده از این امتیازات قویتر و نفوذناپذیرتر می‌شود، امکان‌پذیر نخواهد بود. در این راستا، تقویت ارتباطات و همکاری با دیگر مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی نظیر جامعه اروپایی ضرورت دارد.

۷-۵- تسهیل و تسریع در خصوصی‌سازی، لغو انحصارات و اصلاح قوانین و مقررات

دولتی بودن اقتصاد و وجود انحصارات نیز از جمله موانع جهانی شدن اقتصاد ایران است؛ چرا که شرکت‌ها و موسسات دولتی اغلب یا برای جبران ناکارایی خود متکی به حمایت‌ها و امتیازاتی هستند و یا از



فراهم سازی زمینه‌ها و زیرساخت‌های لازم برای بهره‌گیری از روش‌های نوین انجام مبادلات و اصلاح و هماهنگ سازی روش‌های سنتی انجام امور و مبادلات با روش‌های رایج در جهان. به عنوان مثال ایجاد زیرساخت‌های لازم برای ایجاد شبکه‌های اطلاع رسانی، انجام مبادلات به روش الکترونیکی، الکترونیکی کردن بسیاری از فعالیت‌های دولت و کاستن از دیوان سالاری (بوروکراسی) موجود در انجام امور اداری.

حرکت به سمت استفاده فراگیر از استانداردها و قواعد جهانی و در نهایت اجباری کردن آن‌ها، قبل از آنکه عدم رعایت آن‌ها باعث بسته شدن درهای بازار جهانی بر روی کالاها و خدمات تولیدی کشور شود. استانداردهای بهداشتی و زیست محیطی در مورد تولیدات کشاورزی (آفلاتوکسین پسته و کود و سم مصرف شده)، امکانات حمل و نقل بین‌المللی کشور و استانداردهای کیفی محصولات صنعتی از جمله موارد قابل ذکر هستند. در بحث مبادلات نیز استفاده از قواعد استانداردهای بین‌المللی ضرورت دارد.

پیش‌آگهی و اعلام شفاف سیاست‌ها و جهت‌گیری‌ها با هدف فراهم سازی زمینه تصمیم‌گیری معقول برای بخش‌های خصوصی، عمومی و دولتی. در این مورد، ضرورت دارد دولت به گونه‌ای صریح و شفاف جهت‌گیری‌های جدید اقتصادی کشور را اعلام کند و با دادن پیش‌آگهی در زمینه زمانبندی اعمال سیاست‌های جدید و عمل به آن، ضمن فراهم سازی زمان معقول برای انجام تعدیلات و اصلاحات توسط عاملین اقتصادی، اعتبار لازم را به آن‌ها ببخشد.

رعایت اصل شایسته سالاری. اگر مدیریت یک اقتصاد نیمه بسته و حمایت شده تا حدودی بدون رعایت اصل شایسته سالاری امکان پذیر باشد، در عصر جهانی شدن با توجه به لزوم جهان‌نگری، ابتناء بر علم و دانش، و سرعت تصمیم‌گیری، بی‌توجهی به اصل شایسته سالاری می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری به اقتصاد وارد کند. این اصلی است که چه در مدیریت دولتی و چه در مدیریت خصوصی باید مورد

نظر قانونی در پذیرش شرکای خارجی با محدودیت‌هایی مواجه هستند. انحصارات غیرضرور نیز عامل دیگری در نپیوستن اقتصاد کشور به فرایند جهانی شدن به شمار می‌آید. بنابراین، برای تسریع در روند جهانی شدن اقتصاد کشور، خصوصی سازی و لغو انحصارات غیرضرور امری اجتناب‌ناپذیر است. در غیر این صورت با عنایت به سهم غالب دولت در اقتصاد کشور، فرایند جهانی شدن تحقق پیدا نخواهد کرد.

۷.۶. زمینه سازی جهت تخصیص منابع با عنایت به الگوی تولید و مصرف در جهان

در عصر جهانی شدن، دولت ایران چه به عنوان مهم‌ترین عامل اقتصادی در کشور و چه به عنوان سیاستگذار و هدایت‌کننده فعالیت‌های بخش غیردولتی، باید زمینه‌هایی را فراهم کند که تخصیص منابع در کشور با عنایت به روندها و الگوهای تولید و مصرف در جهان صورت پذیرد و از نگاه صرف به بازارهای داخلی اجتناب شود. در این راستا سیاست‌ها و اقدامات زیر قابل توصیه است:

- خودداری از حمایت‌های غیرهدفمند (بدون در نظر داشتن فعالیت‌های خاص)، غیر منطقی (بیش از میزان مورد نیاز)، نامحدود (از نظر دوره حمایت) و غیرمشروط (بدون ارتباط دادن آن با عملکرد مورد نظر، مثلاً از نظر صادرات، یا ارتقا تکنولوژی و کیفیت محصول تولیدی).

- حذف تدریجی قیمت‌گذاری دستوری و تقویت ساز و کار بازار. در این باره تشبیت مصنوعی نرخ ارز یا سود بانکی، افزایش بی‌رویه حداقل دستمزدها، و تعیین دستوری قیمت کالاها و خدمات بدون توجه به عوامل اساسی بازارهای داخلی و جهانی قابل عمل نخواهند بود. حمایت و تسهیل اجرای برنامه‌های تعدیل و اصلاح ساختار صنایع و بخش‌های تولیدی کشور و خودداری از اصرار بر حفظ مزیت‌های منسوخ شده کشور.

عنايت خاص قرار گيرد. همان طور که در بخش خصوصي مالکان بايد مديریت را به کار آفرینان بسپارند در دولت نیز همین گونه بايد عمل شود.

تقويت امنيت اقتصادي، حقوقی و قضايی. عصر جهانی شدن، عصر حرکت سريع سرمايه‌ها و منابع انسانی و مالی و فیزیکی است. عنصر امنيت در اين فضا بسيار حساس و تعيين کننده است. از اين رو بدون وجود امنيت کامل اقتصادي، حفظ حقوق مالکیت فردی و ايجاد یک نظام قضايی کارآمد برای حمايت از آن، جهانی شدن اقتصاد میسر نخواهد بود. اگر هزاران شرکت ایرانی در دوبي ثبت می شوند و هزاران نیروی متخصص از کشور خارج می شوند، چگونه می خواهيم شرکت های خارجی را به کشور جذب کنیم؟

۷.۷. حمايت از آسیب دیدگان از مشارکت در فرآیند جهانی شدن جهانی شدن اقتصاد در کن

منافع بالقوه فراوان خود، در کوتاه مدت می تواند به دليل اصلاحات و تعديلات مورد نیاز در بخش های توليدي کشور به بيکاري و فقر در زیر بخش های فاقد مزیت رقابتي منتهی شود. در اين باره برنامه هایی در زمينه آموزش مجدد و کاريابی برای نیروی بيکار شده و نیز حمايت های مالی از آن ها در خلال اين دوران ضرورت خواهد داشت تا ضمن جلوگیری از تحميل فشار بر اين اقشار، مخالفان جهانی شدن نتوانند با استفاده از فشارهای سياسی و اجتماعی موجب چرخش در سياست ها شوند. استفاده از درآمد نفت در اين زمينه می تواند با تقليل و جبران هزینه های ناشی از جهانی شدن کمک خوبی به تسريع اين فرآیند نمايد.

۷.۸. همکاری با کشورهای در حال توسعه در سازمان ها و مجامع بين المللی

جهانی شدن با سرعت زياد در حال گسترش است، اما قواعد و نظامات خاصی بر مجموعه اين فرآیند حاکم نیست و اغلب آنچه ايجاد شده نیز به ابتکار قدرت ها و شرکت های بزرگ پديد آمده است. از اين رو ضرورت دارد برای حفظ منافع خود و ديگر کشورهای در حال توسعه، در زمينه قاعده مند کردن اين فرآیند، مشارکتی فعال داشته باشيم تا بتوانيم نظير کشورهای در حال توسعه در سازمان تجارت جهانی، در مقابل تعهداتی که می دهيم، امتیازاتی نیز به دست آوريم.

۷.۹. جلوگیری از بروز ضربه های اقتصادی

یک اقتصاد جهانی شده به مراتب بيش از یک اقتصاد نيمه بسته در معرض ضربه های خارجی است. اين امر به مفهوم آن است که کنترل ها و نظارت های دقيق تر و متفاوت تری در اقتصاد جهانی شده لازم است؛ بايد سازوکارهای خودکار به گونه ای طراحی شوند که قبل از بروز بحران زنگ خطر به صدا درآيد و به فوریت اقدامات لازم صورت گيرد. تجربه کشورهای جنوب شرق آسيا نشان داد چگونه بی توجهی به زمينه های فساد در داخل و نبود توجه کافی به متغيرهای جهانی در سياستگذاری های اقتصادی می تواند بحران آفرين باشد. گرچه اقتصاد ایران می تواند به لحاظ تکیه بر درآمدهای نفتی تا حدودی در تخفيف اين بحران بکوشد (برای مثال از طريق مديریت صحیح صندوق ذخيره مازاد درآمد نفت) اما لزوم سياستگذاری هوشمندانه در

این شرایط و رفع عواملی نظير رشوه خواری، رانت جویی، فساد اداری و تسلط روابط بر ضوابط همچنان یک ضرورت جدی خواهد بود.

۷.۱۰. بهره گیری از فرصت های زودگذر

عصر جهانی شدن، عصر سرعت در اتخاذ تصمیم و بهره گیری از فرصت های زودگذر است، چرا که در صورت تاخير ما، رقبا در بهره گیری از آن تردید نخواهند کرد. بنابراین، ساختار اجرائی و مديریتی و سياستگذاری ما بايد آنقدر کارا و منعطف باشد که بتواند به سرعت از اين فرصت ها بهره گیری کند. تجربه ما در زمينه فرصت به وجود آمده در کشورهای آسیای میانه و قفقاز، چندان موفق نبود. اما اکنون فرصت های دیگری در افغانستان، عراق و کشورهای حاشیه جنوب خليج فارس پديد آمده است که زمينه های مناسبی را برای جذب سرمايه های خارجی و صدور توليدات کشور فراهم کرده است. بهره گیری از اين فرصت ها می تواند منافع جهانی شدن را افزایش داده و از هزینه های تبعی آن بکاهد یا آن را قابل تحمل تر کند.

پی نوشت ها:

* اين متن، ماحصل گزارشی است که به سرپرستی محمدرضا رفعتی برای ارائه به اولين همایش «چالش ها و چشم اندازهای توسعه ایران، هم اندیشی پژوهشگران و نظريه پردازان کشور» (سازمان مديریت و برنامه ریزی ۱۳۸۲) تهیه شده است. افراد گروه به ترتيب الفبا عبارت بودند از: اسفنديار اميدبخش، یدآ... ابراهیمی فر، جاويد بهرامی، جلال الدین جلالی، مسعود درخشان، ابراهيم علی رازینی، سهراب شهابی، غلامرضا کشاورز حداد، سیفا... صادقی یارندی، احمد صلاح منش، حسين ميرجلیلی و پیروز مجتهدزاده .

۱- در سال ۲۰۰۱ به دليل وقایع یازدهم سپتامبر، این رقم به ۷۳۵ میلیارد دلار کاهش یافت. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به:

UNCTAD, World Investment Report 2002

2. UNCTAD, Arc Transnationals Bigger than Countries

۳- مفاهيمی نظير امنيت اقتصادي، قضايی، سياسی و منافع ملی نیز به همین نسبت تغيير ماهيت و مفهوم یافته اند.

4. IMF, World Economic Outlook, September 2002, p. 109

5. Intra-Industry Trade (IIT)

6. Lee Sangwoo, "Intra-Industry Trade: Recent Trends and Implications for the Korean Economy", Bank of Korea Economic Review, March 1994, p.21

به تبع اين تحولات، حرکت نیروی کار غير ماهر به کشورهای توسعه یافته کند گردیده و در مقابل، حرکت نیروی کار ماهر، تسهیل و تسريع گردیده است.

7. UNCTAD, Electronic Commerce and Development, 2000, p.7

۸- ثبات نرخ ارز و تغييرات ناگهانی آن تا حدودی اين نسبت را چندان دقيق برآورد نمی نمايد.

9. UNCTAD, World Investment Report 2001

۱۰- همان.